



ماه دختر

پرونده‌ای برای روز ملی دختر

ویژه مبلغان، مربیان و فعالان فرهنگی تربیتی

در عرصه نوجوان



ماه دختر

پرونده‌ای برای روز ملی دختر

ویژه مبلغان، مربیان و فعالان فرهنگی تربیتی

در عرصه نوجوان



رحمت پروردگار منتظر دختران سرزمین من است

برداشت از روایت پیامبر(ص) / جامع الأخبار، ص ۱۰۵

متفاوت‌های متناسب

مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تربیتی دختران

دختران و تکلیف پذیری شرعی

طرح بحث «دخترانه یک نفس راحت»

معرفی یک کتاب برای دختر بودن

معرفی یک سایت کاملاً دخترانه

دخترتزاز اسلام

این مشکلات به علاوه مسائلی دیگر، سبب شد تا نماینده مقام معظم رهبری، حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری،

ایده الگوی تعالی دختران را مطرح کند. ایشان در گام اول، خود وارد میدان شده و بیش از یک سال در جلسات مستمر هفتگی، به تبیین الگوی تعالی دختران پرداخت. مجموعه مباحث ایشان در کتابی با عنوان درآمدی بر الگوی تعالی دختران، چاپ شد. در گام‌های بعدی هم دفتر پژوهش‌های مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان، به تکمیل مباحث ایشان در قالب جزوات الگوی تعالی دختران پرداخت و ان شاء الله، به زودی نسخه جدید کتاب به همراه پیوست جزوات آن در اختیار تشکل قرار می‌گیرد.

لطفاً این الگو را در یک جمله کوتاه برای ما بیان کنید؟

اگر الگوی تعالی را به یک ساختمان تشبیه کنیم، این ساختمان دارای چهار پایه اصلی است؛ مبانی،

با ویژگی‌های پسران متفاوت است. برای نمونه، دختران از عواطف و احساسات سرشارند و یا از هوش زبانی ویژه‌ای بهره‌مند هستند.

دوم، تفاوت در نقش‌ها و مأموریت‌ها؛ این تفاوت برآمده از تفاوت در خلقت است. از نگاه اسلامی، نقش‌های تعریف شده برای جنس دختر، متناسب با توانمندی‌ها و ویژگی‌های سرشتی اوست. با این نگاه، نقش‌های این دو جنس متفاوت خواهد بود؛ دختران باید خود را برای ایفای نقش مادری و همسری آماده کنند، در حالی که پسران باید آماده ایفای نقش پدری و همسری شوند.

سوم، تفاوت در اهداف و الزامات؛ به طور طبیعی، وقتی دو جنس با ویژگی‌ها و نقش‌های متفاوت وجود دارد، مسیر تربیتی آن‌ها هم متفاوت می‌شود؛ پس نمی‌توان مسیری را که با نگاه پسرانه طراحی شده، برای تربیت دختران به کار گرفت.

بنابراین، تشکل در میدان عملیات تربیتی نمی‌توانست از نسخه واحد برای جنس دختر و پسر استفاده کند.

تبیین الگوی تعالی

در گفتگو با حجت‌الاسلام والمسلمین

ابوالقاسمی

کارشناس ارشد علوم تربیتی

به کوشش محمد عبدالملکی

آن و همچنین فراز و نشیب‌های آن، برای مربیان ضروری است. حجت‌الاسلام ابوالقاسمی، کارشناس ارشد علوم تربیتی مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان، علاوه بر پشتوانه پژوهشی پروژه، هدایت پژوهشگران آن را نیز بر عهده دارد. در ادامه گفت‌وگویی را پیرامون الگوی تعالی با ایشان می‌خوانیم.

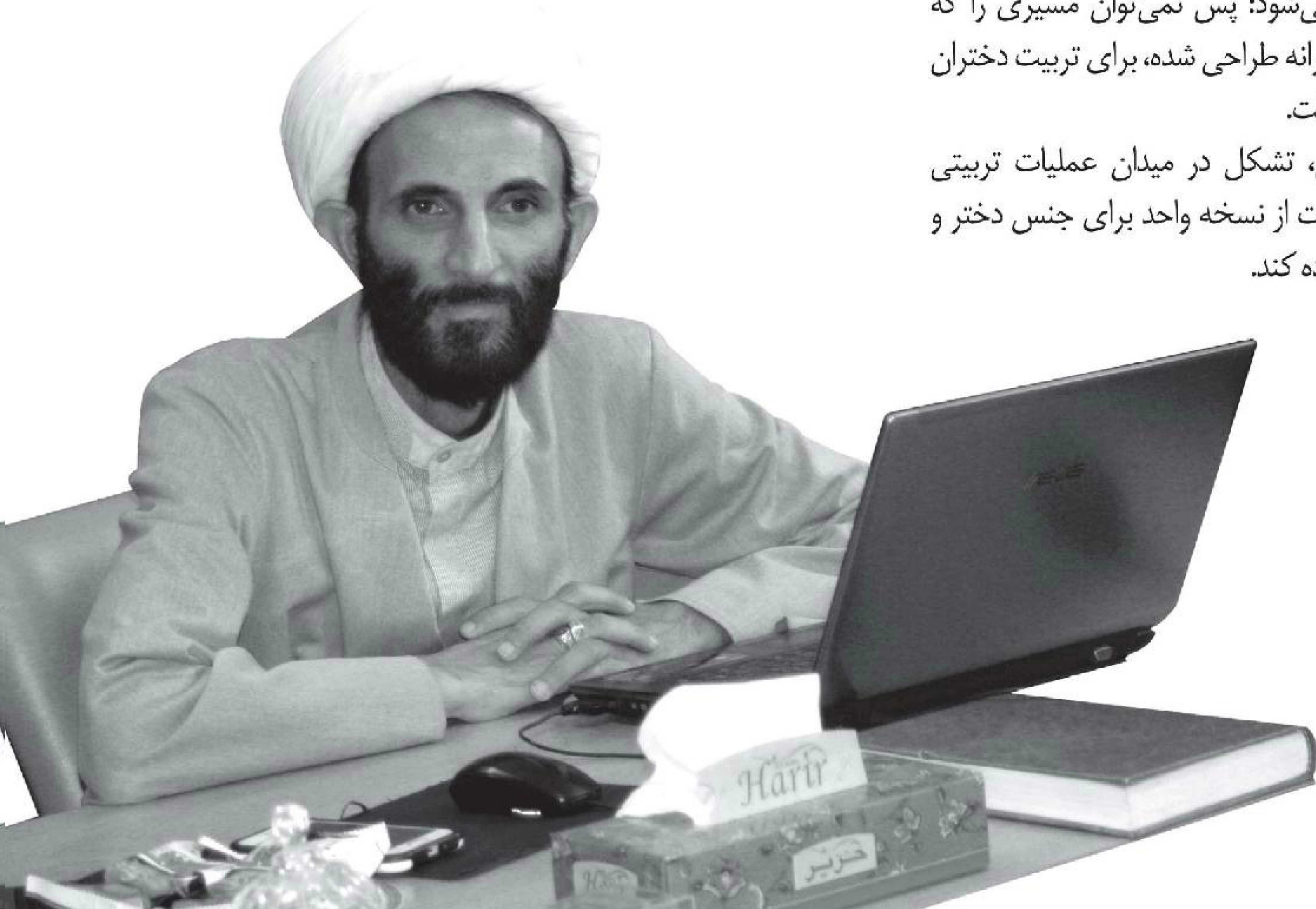
ایده الگوی تعالی دختران از کجا مطرح شد؟

بعد از تدوین نسخه اولیه منظومه و سیر فکری تربیتی در سال ۸۸ و تلاش برای جاری‌سازی آن در میدان عملیاتی تشکل، یکی از مشکلات اساسی، تفاوت‌های دختر و پسر در حوزه‌های گوناگون بود.

دختر و پسر در سه حوزه با هم تفاوت دارند؛ اول، تفاوت در ساختار خلقت؛ خداوند در ساختار جسمی، روحی و روانی دختر، ظرافت‌ها، ویژگی‌ها، نیازها و توانمندی‌هایی را قرار داده که

پرونده ویژه
الگوی تعالی دختران

الگوی تعالی دختران یکی از بزرگ‌ترین پروژه‌های علمی تربیتی اتحادیه انجمن‌های دانش‌آموزان کشور است که با ابتکار حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری، نماینده مقام معظم رهبری در اتحادیه شروع شد. آشنایی با الگو، چپستی، چرایی و ابعاد مختلف



حاکم، نقش‌ها و جدول الزامات.

تعریف الگوی تعالی هم برگرفته از همین عناصر است؛ یعنی الگوی تعالی مجموعه‌ای هماهنگ از مبانی، اصول حاکم، نقش‌ها و جدول الزامات، با هدف ترسیم چهره دختر تراز نظام اسلامی است. پس در کلامی کوتاه، الگوی تعالی، برش دخترانه منظومه فکری تربیتی است.

لطفاً درباره این عناصر بیشتر توضیح دهید؟

مبانی، گزاره‌هایی توصیفی است که موجه کننده نظام الگوی تعالی هستند. به بیان ساده، مبانی مانند سازه‌های زیرین و اساسی ساختمان الگو هستند؛ بنابراین، ریشه و اساس پذیرش الگو، وابسته به پذیرش این گزاره‌ها است.

برای نمونه، پذیرش تفاوت در ساختار خلقت دختر و پسر، یکی از مبانی الگو است. پس اگر کسی منکر تفاوت‌های جنسی یا جنسیتی شود، چیزی به نام الگوی تعالی دختران نخواهیم داشت.

اصول حاکم، قواعد کلی برگرفته از منابع اسلامی است که راهنمای وظیفه رفتاری شخص، در تزامم میان مسئولیت‌ها است. برای نمونه، اصل اصالت خانواده به ما می‌گوید در تزامم میان مسئولیت‌های اجتماعی و مسئولیت‌های خانوادگی، مسئولیت‌های خانوادگی اصل ثابت

است و مسئولیت‌های دیگر، باید بر اساس این اصل تنظیم شوند. پس نمی‌توان به بهانه مسئولیت‌های اجتماعی، از وظایف و نقش‌های خانوادگی مانند نقش مادری یا همسری شانه خالی کرد.

نقش، یعنی جایگاهی که دارای مجموعه‌ای از مأموریت‌ها و وظایف مشخص است. برای نمونه، جایگاه مادری که دارای مأموریت‌هایی مانند تربیت فرزند، مدیریت منزل، تنظیم اقتصاد خانواده، رشد معنوی خانواده و... است. الگوی تعالی، متشکل از چهار نقش دختری، همسری، مادری و اجتماعی است.

الزامات هم، بایسته‌های میان نقش‌ها و مأموریت‌ها است؛ بایسته‌هایی که برای دستیابی به مأموریت‌های یک نقش، باید رعایت شوند. برای نمونه، یک دختر برای تحقق نقش مادری در آینده، باید بهداشت فردی خود را رعایت کند.

مجموع این عناصر، چهره دختر تراز اسلامی را ترسیم می‌کند.

لطفاً رابطه بین منظومه و الگوی تعالی را برای مریبان بیان کنید.

ساختار جدول الزامات و سیر الگوی تعالی، دقیقاً همان ساختار منظومه و سیر فکری تربیتی است. برای نمونه، منظومه از سه ساحت بینش، گرایش و رفتار و همچنین چهار محور ارتباطی خدا، خود، دیگران و جامعه شکل گرفته است؛ این ساختار، دقیقاً در الگو نیز تکرار می‌شود.

یا اولویت‌بندی و ارزش‌گذاری منظومه در قالب ده محور موضوع نشان داده شده و

ارزش‌گذاری و اولویت‌بندی الزامات الگوی تعالی نیز بر همین اساس شکل گرفته است. پس می‌توان ادعا کرد که الگوی تعالی، برش دخترانه منظومه و سیر فکری تربیتی است.

کدام بخش از اجزای الگوی تعالی برای مریبان کارآمد است؟

مهم‌ترین عناصری که در میدان عملیات تربیتی مریبان را یاری می‌دهد، اول، سیر ارزش‌گذاری شده و اولویت‌بندی شده الگوی تعالی دختران است. مریبان بر اساس این ارزش‌گذاری‌ها، به‌خوبی با موضوعات دارای ارزش سرمایه‌گذاری در فضای دخترانه آشنا می‌شوند.

دومین عنصر عملیاتی الگو، اصول حاکم است. به گمان بنده، در طراحی و اجرای تمامی فعالیت‌های تشکلی، باید این اصول رعایت شوند. تصور کنید ما می‌خواهیم یک هیئت دخترانه داشته باشیم و یا یک اردوی دخترانه و... را برگزار کنیم، طراحی اسلامی و صحیح این فعالیت‌ها، وابسته به در نظر گرفتن اصول حاکم بر الگوی تعالی است. برای نمونه، اصل تناسب در این برنامه‌ها باید رعایت شود. مطابق اصل تناسب در اردوها، باید فعالیت‌ها یا ورزش‌ها و یا برنامه‌هایی طراحی شود که متناسب با ساختار، روحیات و ویژگی‌های دخترانه باشد.

مشکلات و موانع اجرایی شدن الگوی تعالی از منظر شما چیست؟

جاری‌سازی الگوی تعالی، نیازمند چند گام اساسی است؛

نخستین گام، آموزش تبدیل موضوعات الگو

در قالب طرح‌درس‌ها و درس‌نامه‌های ترویجی است که برای مریبان امکان تدریس محتوای الگوی تعالی، به ساده‌ترین شکل فراهم شود. در این مسیر، استفاده از هنر و خلاقیت، نقش اساسی دارد.

نکته دیگر در مبحث آموزش مریبان، استخراج مسایل مبتلی‌به و میدانی مریبان است. از مشکلات رایج فعالیت‌های آموزشی، اکتفا به مطالب یا موضوعات کلی (نه مسایل مورد نیاز مریبان و دانش‌آموزان) است. حل این مسئله، نیازمند زحمات دوستان در واحد تولید و یا دفتر پژوهش‌های مرکز فرهنگی تبلیغی آینده‌سازان و واحد خواهران این مرکز است که تلاش‌های خوبی هم با توجه به شرایط و کمبودهای موجود، در حال انجام است.

گام مهم دیگر جاری‌سازی الگو، برنامه‌سازی منطبق بر الگو است. طبیعی است که تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های منطبق با الگو، نقش اساسی در تحقق آن دارد؛ چراکه سرمایه‌گذاری‌های انسانی و مالی، بر اساس همین سیاست‌ها انجام می‌گیرد. برای نمونه، اینکه ما در حوزه تحصیل یا انتخاب رشته دختران، چه سیاست‌هایی را دنبال کنیم، یا در حوزه ورزش بانوان از چه سیاست‌هایی پیروی کنیم؟ در برنامه‌سازی‌های ملی هم، همین مسئله وجود دارد و نقش اساسی را در این گام، دفتر مرکزی و به‌ویژه معاونت خواهران اتحادیه به عهده دارد.

۱. گزاره توصیفی یعنی جمله‌ای که مفاد آن هست‌ها و نیست‌ها است؛ در مقابل گزاره‌های توصیه‌ای که مفاد آن باید‌ها و نیاید‌ها است.

شاخه گل خوشبو

جایگاه و منزلت دختر در اسلام

دکتر مرضیه شعربافچی
دکترای مطالعات زن دانشگاه تربیت مدرس

اسلام به کلی قواعد رایج در مورد دختران را تغییر داده است.

ظهور اسلام در جزیره العرب، بسیاری از معادلات رایج جامعه آن روز را تغییر داد و نظم افکار و رفتار مردم را بر طبق آموزه های خداوند و رفتار مورد پسند او که همانا صحیح ترین رفتار صادره از یک انسان بود، منتظم نمود. بدین ترتیب بسیاری از آداب و رسومی که از اصول مسلم تلقی می شد، برای آنان رنگ باخت و جای خود را به رفتار و آداب شریف انسانی و مطابق با فطرت و خواست خداوند داد.

از جمله این افکار و عادات، تصویری بود که آنان از جنس زن و به ویژه دختران داشتند. دختران در آن زمان از عادی ترین حق خود که حق حیات بود، بی بهره بودند. آنان جزو سپاه و لشکر به حساب نمی آمدند و بنابراین، نفع خاصی برای آنها متصور نبود. دختران نیروی کار مناسبی برای کشاورزی هم نبودند و با ازدواج به خاندان و قبیله همسر ملحق می شدند و در یک کلام، نبود آنان بهتر از بودشان بود.

نبی مکرم اسلام ﷺ، تمام قد در برابر جامعه

آن زمان ایستاد و تمام تلاش خود را به کار بست تا رفتار با دختران را به رفتار تراز اسلام نزدیک کند. احادیث زیادی از نحوه سلوک با دختران از پیامبر ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام)، نشان می دهد اسلام به کلی قواعد رایج در مورد دختران را تغییر داده است.

بنابراین، شاید برای شناخت جایگاهی که دختران در دین مبین اسلام دارند و طبقه صحیح رفتار و برخورد با آنان، بهترین راه، مطالعه آیات و روایاتی باشد که نظر حقیقی خداوند و پیامبر ﷺ و ائمه معصومین (علیهم السلام) را به ما نشان می دهد.

دختران در قرآن

اولین مسئله ای که در قرآن درباره دختران جلب توجه می کند، مبارزه با تفکر برتر بودن فرزند پسر بر فرزند دختر و پرداختن به مسئله زنده به گور کردن دختران است که امری رایج در عربستان پیش از اسلام بود. خداوند در آیه اول سوره نساء، به صراحت اعلام می کند که منشأ خلقت زن و مرد یکی است^۱ و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. همچنین در آیات ۵۸

و ۵۹ سوره نحل، به دفاع از شخصیت دختران پرداخته و کسانی که از شنیدن خبر دختر بودن فرزند خود ناراحت می شدند را سرزنش می نماید.^۲

در آیات سوره تکویر نیز خداوند به اجرای تلخ زنده به گور کردن دختران می پردازد و عنوان می کند که در روز قیامت از این دختران معصوم سؤال می شود که به «کدامین گناه کشته شده اند»؟ نکته قابل تأمل، توجه به مخاطب در این آیه است؛ علامه طباطبایی در تفسیر این آیه می فرمایند: با اینکه مسئول قتل این دختران پدران آنان می باشند و انتقام باید از پدران گرفته شود، خداوند در آیه دختر زنده به گور شده را مخاطب می سازد تا بدین بهانه هم قاتل را توبیخ کرده باشد و هم زمینه تظلم خواهی دختر معصوم را برای انتقام کشی از پدر گناه کارش فراهم نماید.^۳

خداوند در آیات دیگری نیز به ذکر داستان هایی در مورد دختران دیگر پیامبران می پردازد. در داستان حضرت موسی (علیه السلام)،

آنجا که پس از خروج از مصر با دختران حضرت شعیب (علیه السلام) روبه رو می شود و خداوند راه رفتن آنها را آمیخته با حیا توصیف می کند؛ و آنجا که یکی از دختران به پدر خود پیشنهاد می دهد که موسی را به عنوان چوپان استخدام کند؛ زیرا با درایتی که داشت، او را فردی امین و نیرومند یافته بود.^۴

قرآن در سوره آل عمران به داستان تولد حضرت مریم (علیها السلام) نیز اشاره می کند و گفت و گوی مادرش با خداوند را در شب تولد ایشان شرح می دهد: «همسر عمران گفت: پروردگارا آنچه در شکم دارم نذر تو کردم تا آزاد شده تو باشد... پس چون وضع حمل نمود، گفت: پروردگارا من دختر زاده ام و پسر چون دختر نیست... پس پروردگارش مریم را با حسن قبول پذیرا شد».^۵ علامه طباطبایی بر این عقیده است که جمله «پسر چون دختر نیست» کلام خداوند متعال است و به جایگاه



آمدند. احترام و شأنی که دین مبین اسلام برای زنان و به ویژه دختران در آموزه های خود قائل شده است، در میان دیگر ادیان آسمانی بی نظیر است؛ چه رسد به مکاتبی که ریشه در وحی آسمانی نیز ندارند و تراوشات ذهن ناقص آدمیان هستند. اسلام چنان شخصیت کامل و محترمی از دختران ارائه داده که پس از گذشت چندین قرن از ظهور آن، هنوز هیچ مکتبی نتوانسته است چنین حرمت والایی برای دختران متصور شود. شأن و جایگاه دختران و زنان چنان در اسلام محترم و ستودنی است که هیچ یک از ایسم های خود ساخته بشر با پشتوانه بعضا چند صد ساله آزمون و خطا، نتوانسته اند جایگاهی مشابه به وی ارزانی دارند.

۱. هرگاه مژده ولادت دختر به پیامبر ﷺ داده می شد، آن حضرت می فرمود: شاخه گل خوشبویی است و روزی او هم به عهده خداوند متعال است؛ وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۱۰۲.

۲. نساء، ۱.

۳. نحل، ۵۸ و ۵۹.

۴. تفسیر المیزان، ج ۲۰، ص ۳۵۱.

۵. قصص، ۲۲-۲۶.

۶. آل عمران، ۳۵-۳۷.

۷. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۲۶۹ و ۲۷۰.

۸. کنز العمال، ج ۴۵۲۷۴.

۹. همان، ج ۴۵۳۹۹.

۱۰. بخارالانوار، ج ۱۰۱، ص ۹۸.

۱۱. کافی، ج ۶ ص ۶ ح ۷.

۱۲. مکارم الاخلاق، ج ۱، ص ۳۳۹.

۱۳. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۰۷، ج ۴۰۳.

۱۴. جامع الاخبار، ص ۲۸۵.

۱۵. وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۶۷.

و شب عبادت یک سال را می نویسند.^{۱۴} و بالاخره اینکه پسران نعمت خداوند هستند، ولی دختران حسنات الهی می باشند، خداوند از نعمت سؤال می کند و به حسنات پاداش می دهد.^{۱۵}

آموزش رفتار با فرزند دختر

آنچه از روایات اسلامی در باب تربیت و رفتار با دختران بر می آید، نشان از این دارد که در تربیت دختران توجه به عنصر محبت و عاطفه، رساندن آنها به مرحله رشد روانی و ایجاد روانی متعادل و آشنایی با فنون زندگی آنها باید پررنگ باشد. از آنجا که دختران، مادران نسل بعد و سازنده اجتماع آینده هستند، توجه دقیق به تربیت آنان، در واقع بیمه کردن جامعه پیش رو است. تربیت همانا فراهم کردن عوامل شکوفایی استعدادها است و تمام هنر یک مربی این است که بتواند با درک متقابلی که از مربی خود دارد، چنین زمینه ای را برای وی فراهم نماید. ابعاد دینی، اخلاقی، عقلی، جسمی و روحی دختران باید در پرورش آنها لحاظ گردد. عزت نفس و حس کرامت و در عین حال آماده شدن برای پذیرش نقش های آینده، از مسائلی است که باید در دختران از حالت بالقوه به بالفعل تبدیل گردد.

جمع بندی

همان گونه که مشخص است، سیاق کلی روایات بر این است که دختران در زمان ظهور اسلام و تا مدتها پس از آن، مایه ننگ خانواده و موجوداتی پایین تر از پسران به شمار می



مونس گران بها،^۸ دلسوز و مددکار و با برکت، علاقمند به پاکیزگی، بهترین فرزندان،^۹ یاور خانواده، باقیات الصالحات، دوست داشتنی، پر محبت، پاک و پاک کننده شده است.

آثار مترتب بر داشتن فرزند دختر

یکی از جنبه های سخنان معصومین، وصف خانواده های صاحب فرزند دختر و شرح نتایج دنیوی و اخروی آن است.^{۱۰} پیامبر ﷺ خداوند را نسبت به زنان مهربان تر از مردان می دانستند.^{۱۱} امام صادق (ع) سرپرستی دو دختر را سبب واجب شدن بهشت بر پدر آنها اعلام کردند.^{۱۲} دختر دین دار در قیامت مانع از ورود پدر و مادرش به جهنم می شود.^{۱۳} هر روز بر خانه ای که در آن دختر باشد، دوازده برکت و رحمت از آسمان نازل می شود و زیارت فرشتگان از این خانه قطع نمی گردد و فرشته ها برای پدرشان هر روز

والای حضرت مریم اشاره دارد.^{۱۴} این آیات اشاره دارند که نیل به مقامات والای

معنوی در گرو زن یا مرد بودن نیست. در کنار آیات قرآن، روایات نیز ما را به فهم مقام و جایگاهی که دختران در اسلام دارند رهنمون می سازند. این سخنان از چند زاویه قابل تأمل و مذاقه هستند؛ از یک سو کلمات و عباراتی است که در توصیف دختران در کلام این بزرگواران به کار برده شده است، و از طرف دیگر آثاری است که ایشان برای والدین صاحب دختر برشمرده اند. همچنین ائمه اطهار (ع) در پی فرهنگ سازی برای نحوه رفتار با فرزندان دختر نیز بوده اند. در ادامه شرح مختصری از این عناوین ارائه می گردد.

توصیف دختران

در میان کلمات و توصیفات معصومین، انتخاب واژگان در توصیف دختران بسیار جلب توجه می کند. در روایات از دختران تعبیر به

نیل به مقامات والای معنوی در گرو زن یا مرد بودن نیست.



عنصر تکامل جامع‌ه و بشر

گفتمان تعالی دختر از نگاه رهبر معظم انقلاب اسلامی

داود زارع زاده

تاریخ شاهد طیف رفتاری بسیار گسترده‌ای در رابطه با دختران و زنان بوده که بسیاری از این رفتارها همراه با ظلم و ستم است. از رفتار ناشایست اعراب جاهلی و زنده‌به‌گور کردن دختران گرفته، تا ظلم جاهلیت مدرنی که تمدن غرب به نام «آزادی زن» بر دختران تحمیل می‌کند. تمام این ظلم‌ها، ریشه در برداشت‌ها و نگاه غلط از جنس زن دارد که اوج آن در فرهنگ غربی قابل مشاهده است. در این فرهنگ، دختر و زن به عنوان وسیله لذت مردان معرفی می‌شود.^۱ این تفکر نادرست، زنان را از کرامت و منزلت حقیقی خود بازداشته و آنان را از محیط امن خانواده، به محیط پرتلاطم جامعه افسار گسیخته کشانده است، بدون اینکه متناسب با این حضور، به صیانت از کرامت و منزلت آن‌ها بپردازد. اما در نظام جمهوری اسلامی ایران که بر پایه مبانی ناب اسلامی بنا شده است، نگاهی متفاوت نسبت به دختران وجود دارد. این نگاه در سه حوزه شأن و منزلت، نقش و وظیفه و حق و حقوق قابل پیگیری است.

شأن و منزلت

از دیدگاه اسلام، دختر در عین حفظ شأن

و منزلت (هویت) زنانه خود - مثل احساسات رقیق، عواطف جوشان، مهر و محبت، رقت، صفا و درخشندگی - که برخواسته از طبیعت و فطرت اوست، باید در میدان ارزش‌های معنوی - مانند علم، عبادت، تقرب به خدا، معرفت الهی و سیر وادی‌های عرفان - پیشرفت کند و در عرصه مسائل اجتماعی و سیاسی - مانند شناخت کشور خود، شناخت آینده، شناخت

هدف‌های ملی و اسلامی مربوط به کشورهای اسلامی و ملت‌های اسلامی، شناخت توطئه‌های دشمن، شناخت دشمن، شناخت روش‌های دشمن - حضور فعال داشته باشد. این در حالی است که ایجاد عدل، انصاف،



آرامش و سکونت در داخل خانواده، از اصلی‌ترین بخش هویت یک دختر به حساب می‌آید.^۲ با این تعریف، اصلی‌ترین مسئله، ارزش‌گذاری به اصالت زن است. در واقع زن بودن یک ارزش، و تشابه به مردان ضد ارزش است. با توجه به این دیدگاه، دختران اصلی‌ترین عناصر خانواده و جامعه به شمار می‌آیند که صلاح خانواده و به تبع جامعه، با پرورش انسان‌های والا، بر دوش آن‌ها سنگینی می‌نماید.^۳ برای فهم بهتر شأن و منزلتی که اسلام به دختران داده، می‌توان آن را با فرهنگ غربی مقایسه نمود. فرهنگی که دختران و جنس زن را به عنوان کالایی مصرفی تعریف می‌نماید. در این فرهنگ از سویی عظمت

زن، در میزان جلب نگاه‌های هوس‌آلود مردان تعریف می‌شود و دختر ارزش و اعتبار خود را از زیبایی و جلوه‌گری دریافت می‌نماید.^۴ از سوی دیگر در این فرهنگ، دختران به مصرف‌گرایی و مدپرستی تشویق می‌شوند تا با مصرف بی‌رویه تولیدات کمپانی‌های بزرگ، سودآوری را برای آنها به ارمغان آورند. این بزرگ‌ترین ظلمی است که در طول تاریخ به دختران شده است و آنها را به کلی از آرمان‌ها و اهداف تکاملی خودشان غافل و منحرف نموده و به چیزهای خیلی کوچک و حقیر سرگرم می‌نماید.^۵ این رفتار دقیقاً متناقض با شأن انسانی یک دختر و هدف خلق این ریحانه بهشتی می‌باشد.

نقش و وظیفه

دومین حوزه‌ای که در آن نگاه متفاوت انقلاب اسلامی به دختران قابل پیگیری است، حوزه نقش و وظیفه می‌باشد. در واقع دختران انسان‌هایی هستند که وظیفه دارند با رشد و تعالی معنوی که برای خود محیا می‌سازند، مراحل تکامل بشری را طی نمایند و در این مورد هیچ تفاوتی میان جنس زن و مرد وجود ندارد.^۶ دومین نقش مهم و اساسی دختران، نسبت به خانواده تعریف می‌شد. محیطی که با شمع وجود دختران محل انس، سکینه و آرامش معرفی شده است.^۷ و بدین واسطه دختران نقش همسری و مادری را برمی‌گزینند. در این محیط، با ایفای نقش مناسبی که تنها از عهده دختران

اولویت‌بندی
نباید زمینه
شانه خالی
کردن دختران
از حضور و
نقش‌آفرینی در
اجتماع شود

در واقع زن بودن یک ارزش، و تشابه به مردان ضد ارزش است.



می‌توانند آنها را انجام دهند.^۹ این اولویت‌بندی نباید زمینه‌شانه خالی کردن دختران از حضور و نقش‌آفرینی در اجتماع شود، بلکه در این رابطه تنها رعایت تقدم کاری بسیار مهم است.^{۱۰} شرط دوم، رعایت حجاب و پوشش مناسب است. حساسیتی که اسلام در این باب دارد، به خاطر رعایت مرزبندی‌ها و عدم اختلاط و امتزاج زن و مرد به عنوان زمینه‌ای فسادآور است. اگر این حساسیت اسلام نسبت به روابط و نوع اختلاط زن و مرد رعایت شود، همه کارهایی که مردان می‌توانند در عرصه‌های اجتماعی انجام دهند، زنان هم - اگر قدرت جسمی و شوق و فرصتش را داشته باشند می‌توانند انجام دهند.^{۱۱} شرط سوم در این رابطه، حفظ کرامت و منزلت دختر است. تحمیل کارهای سنگین و خارج از ظرفیت طبیعی زن، تحت سیطره گرفتن او و... کارهایی است که منزلت و کرامت زن را تحت شعاع قرار داده و تعالی او را به حاشیه می‌راند.^{۱۲} این‌ها شروطی است که با رعایت آن، حضور عزت‌مندانه و تعالی‌بخش زن در جامعه نه تنها بدون مانع می‌باشد، بلکه در مواردی فریضه به حساب می‌آید.^{۱۳}

حق و حقوق

در رابطه با حق و حقوق دختران، انقلاب اسلامی با مبنا قرار دادن تعلیم تعالی‌بخش اسلام بر محور آزادی، حقوقی را برای دختران تعریف کرده است که تمدن غرب با ذکر شعارگونه آن‌ها، دل‌های تشنه را فریفته

است.^{۱۴} بر مبنای این حقوق با محوریت آزادی، برای دختران حقوقی مانند حق تحصیل، حق مالکیت، حق اشتغال، حق مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، حق انتخاب و... تعریف شده است. در واقع در انقلاب اسلامی یک دختر با آزادی تمام می‌تواند علم بیاموزد، آگاهی کسب کند و به شأن خود واقف شود.^{۱۵} می‌تواند بدون کسب اجازه در ثروت خود تصرف نموده و بنا به صلاح دید خود مصرف نماید.^{۱۶} می‌تواند با توجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و اولویت‌های احصا شده فعالیت اقتصادی، سیاسی و یا اجتماعی داشته باشد.^{۱۷} می‌تواند در انتخابات شرکت کرده و با ولی زمان خود بیعت نماید.^{۱۸} و می‌تواند شوهر و شرایط زندگی خود را، خود برگزیند.^{۱۹} این‌ها مواردی از حق و حقوق دختر و زن می‌باشد که انقلاب اسلامی با الهام از مبانی اسلام برای دختران قائل شده است.

جمع‌بندی

با توجه به نگاه سراسر متعالی نظام جمهوری اسلامی ایران به دختران که در سه حوزه شأن و منزلت، نقش و وظیفه و حق و حقوق به صورت کامل بحث شد، نکته مهم در این رابطه وظیفه خطیری است که دختران در گفتمان نمودن این هویت دارند. زیرا آن کسی که باید شأن اسلامی دختر و زن را بشناسد و از آن دفاع کند، در درجه اول خود دختران هستند. دختران باید بدانند که اسلام، به آن‌ها چه نگاهی دارد، برای آن‌ها چه مسئولیت‌هایی را معین کرده و حق و حقوق آنها چیست، تا با معرفت بتوانند نگاه

اسلامی و انقلابی را با نگاه‌های دیگر مقایسه کرده و سنجش نمایند. این معرفت و شناخت به انتخاب آگاهانه و همراه با بصیرت ختم خواهد شد که می‌توانند از آن دفاع نمایند و نسبت به آن مطالبه داشته باشند. اگر این گفتمان توسط خود دختران تبدیل به مطالبه نشود، کسانی که به هیچ ارزشی پایبند نیستند، به خود اجازه خواهند داد که به دختران و زنان ستم نمایند؛ همچنان که امروز در دنیای غرب و در زیر سایه نظام‌های مادی آن دیار، با وجود شعارهایی که نسبت به زن سر داده می‌شود، بیشترین ظلم‌ها به دختران و زنان رخ می‌دهد.

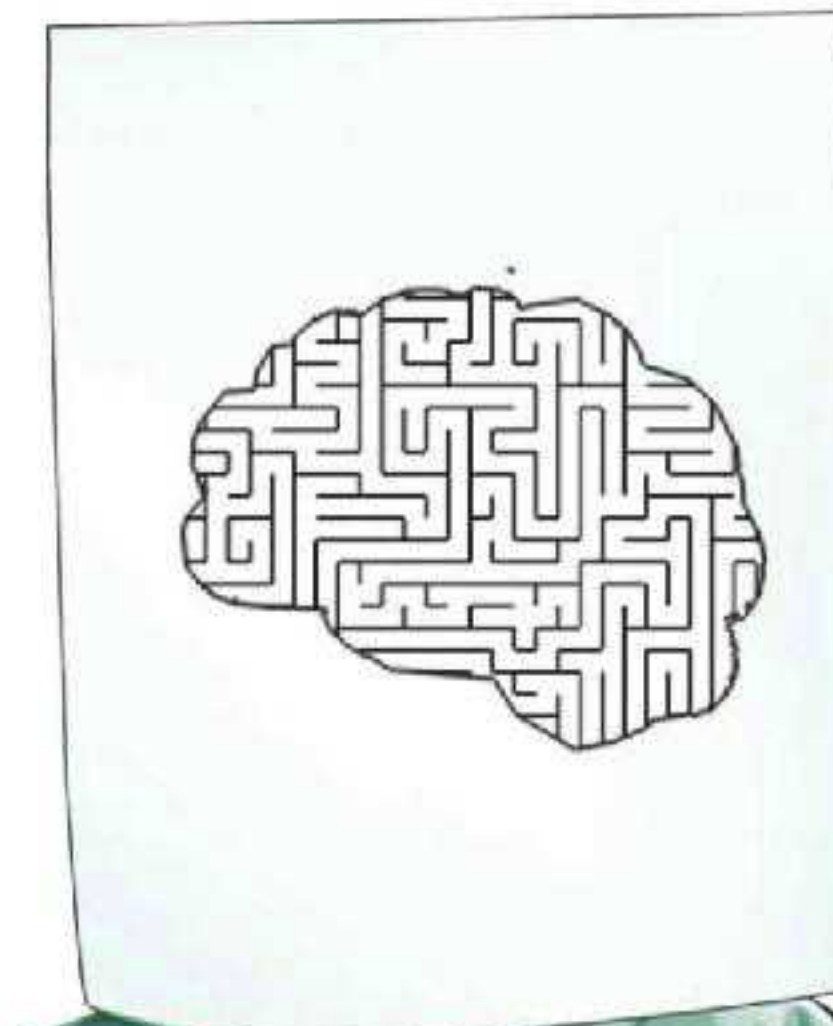
۱. ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۲. ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۳. ۱۳۷۱/۹/۲۵.
۴. ۱۳۷۱/۹/۲۵؛ ۱۳۸۹/۲/۱.
۵. ۱۳۶۹/۱۰/۱۶.
۶. ۱۳۷۶/۷/۳۰.
۷. ۱۳۸۴/۵/۵.
۸. ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۹. ۹۰/۱۰/۱۴.
۱۰. ۶۳/۱۲/۱۳.
۱۱. ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.
۱۲. ۱۳۷۵/۶/۲۸.
۱۳. ۱۳۶۸/۱۰/۲۶.
۱۴. ۱۳۸۰/۱۱/۱۸.
۱۵. ۱۳۷۵/۶/۲.
۱۶. ۱۳۷۵/۱۲/۲.
۱۷. ۱۳۷۵/۶/۲۸.
۱۸. ۱۳۷۹/۶/۳۰.
۱۹. ۱۳۸۱/۱۲/۴.
۲۰. ۱۳۷۵/۱۲/۲۰.

متفاوت‌های متناسب

بررسی اجمالی تأثیر تفاوت‌های جنسیتی بر جریان تربیت

تکتم دره کی

خیلی وقت است تیر کسانی که می‌خواستند ثابت کنند زن و مرد هیچ تفاوتی با هم ندارند، به سنگ خورده است. حالا دیگر بحث‌ها تغییر کرده؛ عده‌ای این تفاوت‌ها را ذاتی



می‌دانند و برخی دیگر در نتیجه تربیت‌های اجتماعی و تأثیرات تاریخی می‌دانند. انگار از یک نقطه تاریخ، این موضوع که به هر حال تفاوت‌هایی بین این دو جنس وجود دارد، پذیرفته شد و دعوی جدید بر سر این است که تفاوت‌ها تکوینی است یا تشریعی؟ دین اسلام به تفاوت‌های زن و مرد در نظام تکوین اذعان دارد و به تبع آن در نظام تشریع تفاوت‌هایی را برای دو جنس قائل شده است که البته این تفاوت‌ها به معنای برتری جنسی



بر جنس دیگر نیست.

به هر صورت امروزه تفاوت‌های جسمی و روحی زن و مرد قابل انکار نیست. از طرفی، عدم توجه به تفاوت‌ها به این معنی است که متریان را نمی‌شناسیم و نقشه‌های تربیتی مان پایه و اساس محکمی ندارند. از این رو مناسب است به تفاوت‌های ساختاری زن و مرد و تأثیر آن بر جریان تربیتی دختران و پسران اشاره شود.

راز تفاوت‌ها

تفاوت ناشی از نقشی است که هر یک در نظام آفرینش بر عهده خواهند گرفت. خدای حکیم به مقتضای بقای نسل، انسان را به دو صنف زن و مرد تقسیم کرده است و تفاوت در برخی خصلت‌ها لازمه چنین تقسیمی است. او در مقام مربی و رشددهندگی و در چارچوب شریعت بهترین مسیر و با حداقل موانع را به هر یک از این دو جنس نشان می‌دهد.

نقطه مهم فعالیت مربیان و نقش‌آفرینان تعلیم و تربیت همین جا است. همین جایی که بتوانند شیوه ارزش‌گذاری صحیح را برای ذهن‌های آماده نوجوانان روشن کنند، دانش‌آموز باید به خوبی درک کند که قانون ارزشمند شدن چیست؟ درمان بسیاری از دردها و دغدغه‌های والدین و

معرفی کتاب «زن در اسلام»

فرشته ضرغامی

شانزدهمین دوره از همایش کتاب سال حوزه، در گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی، شاهد اثری برگزیده در حوزه زنان بوده است؛ این کتاب نوشته خانم فریبا عباسوند که از سوی نشر هاجر منتشر شده، در دو جلد به بررسی جایگاه زن در اسلام می‌پردازد. جلد اول آن، در بردارنده مطالبی چون؛ کلیات و مبانی شناخت نظام و حقوق زن در اسلام است. ایشان در جلد دوم به یک دوره فقه حقوق زنان در عرصه فردی، خانوادگی و اجتماعی می‌پردازد. در این جلد آمده است: «مادری، خانه داری و همسری، نقش‌هایی هستند که زنان در حوزه خانوادگی بر دوش می‌گیرند. گاهی به این نقش‌ها، نقش‌های اجتماعی افزوده می‌شود. انجام همه این کارها با هم، گرانبار و نیازمند صرف انرژی فراوان و مدیریت شایسته است. در موارد بسیاری انجام آنها با یکدیگر تداخل می‌کند و موجب تعارض‌های گوناگون در زندگی زنان می‌شود. بنابراین باید دانست که آیا میان این نقش‌ها رتبه‌بندی و اولویتی وجود دارد یا خیر.» ضمناً اثر حاضر متن آموزشی است که می‌تواند برای دوره‌های مختلف آموزشی مورد استفاده قرار بگیرد.





مربیان در همین کلمه «ارزش‌گذاری» نهفته است. رسیدن، ارزش و کسی که می‌رسد، ارزشمند است. و تفاوت ابزارها، دلیل بر نرسیدن یک عده نیست.

علی صفایی حائری می‌گوید: «تمامی درگیری‌ها و داد و فریادها، از اینجا برخاسته که ما ارزش‌ها را فراموش کرده‌ایم. فوز، اجر، فضل و بهره‌های عالی و لقاء رضوان الله، در رابطه با به کار گرفتن استعدادها است؛ نه مقدار آن‌ها». در این دیدگاه، تفاوت نقش‌ها دلیل بر برتری نمی‌باشد.^۱

جفت بیست و سوم

از جمله تفاوت‌های غیرقابل انکار زنان و مردان که فمینیسم‌ها هم به هیچ روشی نمی‌توانند آن را نادیده بگیرند، ماجرای همیشگی همان جفت ۲۳م کروموزوم‌ها است. هر سلول بدن انسان، از ۲۳ جفت کروموزوم تشکیل شده است که ۲۲ جفت آن مشترک، ولی یک جفت آن در زن

XX و در مرد XY است. خلاصه این دو خط، این می‌شود که تفاوت فیزیولوژیکی در تک‌تک سلول‌های زنان و مردان وجود دارد. نمی‌شود مربی بود و از تأثیرات این تفاوت‌های عمیق خبر نداشت. علامه طباطبایی در کتاب «زن در قرآن»، احساسات لطیف زن و اندیشه‌ورزی مردان را ناظر به جنبه‌های فیزیولوژیکی مانند کوچک‌تر بودن اندازه مغز زنان و ضعیف‌تر بودن قلب، شریان‌ها، اعصاب و عضلات وی در مقایسه با مرد می‌داند. خوب است هر جایی که طرحی می‌ریزیم، حرفی می‌زنیم و برنامه‌ای اجرا می‌کنیم، به این هم فکر کنیم که مخاطب این جریان تربیتی، Xها هستند یا Yها؟ این سؤال را یک گوشه از ذهن یا یک گوشه از دفترمان یادداشت کنیم و خود را ملزم به پاسخ‌گویی به آن بدانیم.^۲

از جمله دیگر تفاوت‌های روشن و تأیید شده اکتشافات علمی، هورمون‌های متفاوت جنسی است. هورمون‌های جنسی نر، باعث رفتارهای خشن، تهاجمی، رقابت و درگیری می‌شود؛ برخلاف هورمون‌های جنسی ماده که آرام‌بخش است و باعث رفتارهای صلح‌جویانه می‌شود. اثرگذاری هورمون‌های مختلف، آنقدر زیاد است که برخی، همین هورمون‌ها را مسئول اصلی رفتارها، حالات و سلیقه‌ها می‌دانند.

تأثیر فراوان هورمون‌ها بر حالات روحی و روانی افراد در دوره‌های مختلف زندگی و



مقاطع زمانی متفاوت، امری است که هر مربی مسئولیت‌پذیر و دغدغه‌مندی باید نسبت به آن آگاهی داشته باشد. راهنمایی، مشاوره و حتی درد دل کردن‌های دانش‌آموزی، گاه با نظر به همین ظرایف فیزیولوژیک، به نقاط خوبی می‌رسد. حل اختلافات با دوستان، مشکلاتی که برخی دانش‌آموزان ناهمگن با دیگران دارند، تعامل نامناسب با والدین و بسیاری از مسائل دیگر، خیلی از اوقات ریشه هورمونی نیز دارد. در حقیقت، با کسب اطلاع از این حوزه، شناخت نسبت به شخصیت افراد را کامل کرده و بهتر می‌توانید به آن‌ها کمک کنید.

روان مؤنث یا مذکر

تفاوت‌های روحی و روانی فراوانی در بین زنان و مردان وجود دارد که علم روان‌شناسی نیز بر آن‌ها صحنه گذاشته است. مثلاً در حوزه علایق زنان و مردان، اتوکالین برگ می‌نویسد: زنان بیشتر به کارهای خانه و اشیاء و اعمال ذوقی علاقه نشان می‌دهند و بیشتر مشاغلی را می‌پسندند که نیازی به جابه‌جا شدن در آن‌ها نباشد و یا کارهایی را دوست دارند که در آن‌ها باید مواظبت و دلسوزی بسیاری [به] خرج داد؛ مانند مواظبت از کودکان و اشخاص عاجز و بینوا... زن‌ها عموماً احساساتی‌تر از مردان



هستند

- زنان نسبت به مردان گرایش‌های معنوی بیشتری دارند. گرایش به دین و مسائل معنوی در میان زنان بیش از مردان است.^۳

- دختران به روابط گروهی و ایثارگرانه تمایل بیشتری نشان می‌دهند و پسران به وضع قوانین مایل‌تر هستند.^۴

- پسران تخصصی‌تر فکر می‌کنند و دختران نگاه وسیع‌تری دارند.^۵

- آنها حتی در بُعد عاطفی نیز با هم متفاوت هستند؛ امام‌علی در توصیف روحیات زن می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ تَكْتُمُ الْحُبَّ أَرْبَعِينَ سَنَةً، وَ لَا تَكْتُمُ الْبُغْضَ سَاعَةً وَاحِدَةً؛ زن [چون کانون حیا است] عشق و محبت را ممکن است چهل سال در دل پنهان نگه دارد، اما ناراحتی و کینه را یک ساعت هم تحمل نمی‌کند؛ چون کانون عاطفه است. احادیثی از این دست بسیار است که خود مؤید این تفاوت‌های آشکار هستند.

- تعریف مسئولیت و فراهم کردن زمینه فعالیت برای دختران و پسران با توجه به اقتضائات روحی و روانی هر کدام، برای‌شان شیرین‌تر و کاربردی‌تر خواهد بود. چه بسا به



جهت سازگاری با روح دخترانه و پسرانه‌شان، جذاب‌تر و اثرات آن ماندگارتر است.

- در امور اجتماعی و حضور هر یک از آن‌ها، توان و ویژگی‌های اختصاصی‌شان را در نظر بگیریم. نمونه این امر، تقسیم کار میان علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام در اختصاص امور داخل و بیرون خانه میان ایشان است (که مورد توافق و رضایت هر دو بوده است).

با این حال، آیا توقع مردانه بودن زنان و به عکس، اعم از اینکه در ابعاد فردی باشد یا اجتماعی، با توجه به تفاوت‌های متعدد در سیستم جسمی و روحی مردان و زنان، می‌تواند سخنی معقول و منطقی باشد؟

قطعات یک پازل

با تأمل در آیات و روایات، چنین به نظر می‌رسد که به دلیل همین تفاوت‌های تکوینی، تشابه حقوقی این دو جنس امکان‌پذیر نیست و در مقام تشریع نیز با هم تفاوت خواهند داشت. استاد مطهری در این باره می‌گوید: آنچه از نظر اسلام مطرح است، این است که زن و مرد به دلیل اینکه یکی زن است و دیگری مرد، در جهات زیادی مشابه یکدیگر نیستند، جهان برای آن‌ها یک‌جور نیست،

خلقت و طبیعت آن‌ها را یک نواخت نخواسته است و همین جهت ایجاب می‌کند که از لحاظ بسیاری از حقوق و تکالیف و مجازات‌ها، وضع مشابهی نداشته باشند.^۶

تفاوت‌های جنسیتی، زمینه‌ساز و آماده کننده دختران و پسران برای انجام وظایف و مسئولیت‌های آنان است. تأکید به فراهم نمودن برخی کارهای رقابتی برای پسران، توجه به روحیات عاطفی و توان جسمی دختران و زنان و یاد دادن اصول خانه‌داری به آن‌ها، پرهیز زنان و مردان از تشبه به یکدیگر در پوشش، برشمردن وظایف مردانه و زنانه برای هر کدام مانند: تمکین زن از مرد و خودآرایی زنان برای مردان و سفارش به نیکو شوهرداری زنان و از سوی دیگر مدیریت مرد بر زن، و اینکه دختران از کودکی سرشار از احساس و عاطفه‌اند که تا دوران مادری و بزرگسالی ادامه دارد، از جمله دلایل رسمیت داشتن نظام تفکیک جنسیتی در اسلام است.

در نهایت، به این نتیجه می‌رسیم که طبق نظر اسلام، تفاوت جسمی و روحی در زن و مرد وجود دارد و این تفاوت «متناسب است، نه نقصان». این تفاوت‌های متناسب، گاه تا آنجا است که جنس جهاد زن و مرد



را تغییر می‌دهد. یا حتی عبادت کردن و مسجد رفتن‌ها را هم تحت تأثیر قرار می‌دهد. مریبان ژرف‌اندیش، در این میان وظیفه‌ای مهم بر عهده دارند که با توصیف دقیق تفاوت‌ها (چه تکوینی و چه تشریعی)، به متربیان خود انگیزه حرکت در مسیر صحیح را می‌دهند. این توصیف دقیق و هنرمندانه، آن‌ها را در انجام وظیفه و مسئولیت اصلی خود یاری خواهد کرد تا به دور از سم‌پاشی‌های موجود، راه باقیمانده تا کمال را طی کنند.

۱. صفایی حائری، علی، روابط متکامل زن و مرد.

۲. طباطبایی، سیدمحمدحسین، زن در قرآن، ص ۴۰.

۳. مجموعه مقالات جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، مقاله علمی «معنویت و جنسیت» نگاشته ناصر آقابابایی و حجت‌الله فراهانی.

۴. مجموعه مقالات جنسیت از منظر دین و روان‌شناسی، مقاله علمی «تفاوت‌های ساختارهای مغزی زن و مرد و تأثیرهای شناختی آن‌ها»، حجت‌الله حقیگو.

۵. روانشناسی زنان، ژانت هاید.

۶. «مجموعه آثار» شهید مطهری، ج ۱۹.

معرفی کتاب «اسلام و تفاوت‌های

جنسیتی»

فرشته ضرغامی

حقوق و جایگاه اجتماعی زنان، مسئله‌ای است که امروزه بسیاری در صدد تبیین آن با استفاده از مبانی غرب هستند. این در حالی است که بسیاری از مبانی آن‌ها با اندیشه اسلامی مطابقت ندارد. اندیشمندان مسلمان، فعالیت‌های مختلفی در این زمینه انجام داده‌اند، اما یا با نگاه فقهی محض به آن پاسخ گفته‌اند و یا با نگاه اجتماعی بدون استمداد از فقه، که هر دوی این موارد خالی از اشکال نیست. این امر انگیزه‌ای شد تا حجت‌الاسلام حسین بستان (نجفی)، در کتاب اسلام و تفاوت‌های جنسیتی (انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه)، به بیان دیدگاه اسلام با رویکرد فقهی و اجتماعی به همراه نقد دیدگاه‌های فمینیستی بپردازد. این کتاب، تفاوت‌های جنسیتی را در دو بخش جداگانه، مورد بررسی قرار داده است. در بخش اول (تفاوت‌های جنسیتی در خانواده) به مباحثی چون آزادی دختران در ازدواج، مهریه، حق جنسی زن و شوهر، قوامیت، نشوز و... پرداخته است. بخش دوم کتاب، تفاوت‌های جنسیتی در اجتماع را در نهاد دین، آموزش و پرورش، اقتصاد، سیاست، حقوق و بهداشت مورد بررسی قرار می‌دهد. این کتاب به عنوان کتاب برگزیده دوازدهمین همایش کتاب سال حوزه در گروه علوم تربیتی و روان‌شناسی انتخاب شده است.

همیشه دختر امروز، مادر فرداست!

نقش‌ها در الگوی تعالی دختران

محمد میری

می‌پردازم، با این حال برای خودم هم روزی یک میلیون تومان می‌ماند و درآمد چهار برابر شده است. بدین ترتیب با تقسیم کار و تفکیک فعالیت‌ها، درآمد کارکنان و مسئول کارگاه و خرسندی ایشان افزایش یافت و کارآمدی کارگاه بالاتر رفت.

در اواسط قرن بیستم، جامعه‌شناسی به نام پارسونز، بحث کارآمدی را در خانواده مدنظر قرار داد و اظهار داشت که ما اگر به دنبال خانواده‌ای کارآمد هستیم و می‌خواهیم آنچه را از خانواده انتظار می‌رود، در سطحی بالا شاهد باشیم، باید به تفکیک نقش‌ها ملتزم شویم.

یعنی زن کار خانه و پرورش

روزی، مسئول کارگاهی خیاطی به اندیشمندی مراجعه کرد و از او برای کارآمدی بیشتر کارگاهش کمک خواست. او به اندیشمند گفت: در کارگاهش پنج خیاط وجود دارد که هر یک در هر روز، بعد از کشیدن طرح الگو بر روی پارچه، بُرش آن و دوختنش، یک مانتوی ساده تحویل می‌دهد و او هر مانتو را صد هزار تومان می‌فروشد. در مجموع روزانه ۵۰۰ هزار تومان درآمد دارد، اما چون به هر خیاط ۵۰ هزار تومان دستمزد می‌دهد، برای خودش ۲۵۰ هزار تومان بیشتر باقی نمی‌ماند.

اندیشمند از او خواست کار دوخت یک مانتو را به پنج بخش زیر تقسیم کند: ۱. کشیدن طرح الگو بر روی پارچه ۲. بُرش پارچه ۳. دوخت طرف راست مانتو ۴. دوخت طرف چپ ۵. دوخت یقه. سپس مسئولیت هر بخش را به یکی از خیاط‌ها واگذار و نتیجه کار را بعد از مدتی به او گزارش دهد.

در موعد مقرر، مسئول کارگاه شادمان به اندیشمند گزارش داد: تولید مانتوی ما در روز به سه برابر یعنی ۱۵ عدد رسیده است که یک میلیون و پانصد می‌فروشیم. دستمزدها را دو برابر کرده‌ام و به هر خیاط ۱۰۰ هزار تومان

نیروی انسانی را به عهده بگیرد و مرد کار اجتماع و نان‌آوری را.^۱ چندی بعد فمینیست‌های موج دوم با این نظریه مخالفت کردند و گفتند چرا جنس زن در خانه باشد و جنس مرد در اجتماع؟ نباید تفکیک نقش‌های جنسیتی داشته باشیم. آنها اظهار می‌کردند: نظام مرد سالار، سر ما کلاه گذاشته است و با ارزشمند قلمداد کردن تولید مثل، پرورش نیروی انسانی و نقش‌های خانگی، زن‌ها را در حریم چارچوب خانواده اسیر کرده و حضور اجتماعی و مناصب قدرت را به مردها اختصاص داده است.^۲ حال سؤال این است که اسلام چه می‌گوید؟ در جواب باید گفت: آموزه‌های دینی با قاطعیت نقش‌های جنسیتی را می‌پذیرد و آن را لازمه کارآمدی زن و مرد در خانه و اجتماع می‌داند. دین قاطعانه می‌گوید: زن و مرد تفاوت‌های طبیعی و



تکوینی دارند، پس متناسب با آن لازم است در نقش‌ها هم تفاوت داشته باشند!

نقش، رفتار و موقعیت‌هایی را که افراد احراز می‌کنند و توقعاتی را که شخص از خودش دارد که کارهایی را انجام دهد یا جامعه از شخص توقع دارد که کارهایی را به عنوان عضوی از اعضای یک جنس انجام دهد، گویند. این معنا البته در الگوی تعالی دختران دست‌خوش تغییر شده است و به جایگاهی که دارای مجموعه‌ای از مأموریت‌ها و وظایف مشخص می‌باشد، گفته می‌شود. مانند جایگاه مادری که نقش مادری را در پی دارد و دارای مأموریت‌هایی همچون تربیت فرزند، مدیریت منزل، تنظیم اقتصاد خانواده، رشد معنوی خانواده و... است. بدین ترتیب، در الگوی تعالی دختران متناسب با جایگاه‌های زن در خانواده و اجتماع، نقش‌های دختر، همسری، مادری و اجتماعی مطرح می‌شود. از آنجا که هر یک از این نقش‌ها، وظایف و مأموریت‌هایی را به همراه دارد، الزامات الگوی تعالی دختران، دختران را در ایفای مأموریت‌های خود یاری می‌کند.

برای نمونه در اینجا به نقش دختری اشاره می‌شود:

پروردگار متعال می‌فرماید: «لِلّٰهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ بِخَلْقِ مَا يَشَاءُ يَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ إِنَآثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذَّكَوْرَ؛ مَالِكِيَّتٍ وَ حَاكِمِيَّتٍ اَسْمَانِهَا وَ زَمِيْنِ اَز اَنْ خَدَاسَتْ؛ هر چه را بخواهد می‌آفریند؛ به هر کس اراده کند، دختر می‌بخشد و به هر کس بخواهد، پسر»^۳. از آنجا که در قرآن هیچ تقدم و تاخیری بی‌سبب و بی‌معنا نیست، می‌توان نگاه ویژه

خداوند به دختر را از این آیه برداشت نمود؛ چراکه خداوند نه تنها بین دختر و پسر فرقی نگذاشته است و برای هر دو کلمه هبه را بکار برده و هر دو را لطف خود دانسته، بلکه دختران را مقدم ذکر کرده است.

روایات، پیامبر را «أَبَا بَنَاتٍ» می‌نامند؛ این نام‌گذاری گویا اشاره به این مطلب است که یکی از افتخارات پیامبر گرامی این است که پدر دختران هستند. خداوند متعال پسرشان ابراهیم را از ایشان می‌گیرد تا عنوان پدر دختران برای حضرت، یکی از خصایص، و برای جامعه اسلامی، عنوانی الهام‌بخش باشد.

در کتاب کافی، روایتی بیان می‌کند؛ خدا به فردی، دختری داد. با ناراحتی و عصبانیت خدمت امام صادق (ع) رسید. امام به ایشان فرمود: اگر خدا به تو وحی می‌کرد که من برای فرزند انتخاب کنم یا خودت، تو چه می‌گفتی؟ گفت: می‌گفتم خدایا تو انتخاب کن! امام فرمود: او انتخاب کرد که به تو دختر داده است. سپس فرمود: می‌خواهی بدانی در پیشگاه خدا، دختر چقدر قیمت دارد؟ و آن‌گاه ماجرای خضر و موسی را مطرح کردند؛ بعد از اینکه جناب خضر آن بچه را کشت، موسی صبر نمی‌کند و اعتراض می‌کند که آیا انسان پاکی راه، بی‌آنکه قتلی کرده باشد، کشتی؟! خضر فرمود: نگفته بودم نمی‌توانی صبر کنی؟ موسی عذرخواهی نمود. خضر، طبق متن قرآن فرمود: خدای متعال اراده کرده که به جای این پسر، فرزند دیگری به آن پدر عطا نماید، چون اگر این پسر می‌ماند؛ باعث آبروریزی، ذلت، خفت

و خواری پدر وارسته‌اش می‌شد. بنابراین، خدای متعال خواست فرزندی بسیار بهتر به او عطا نماید که هم از لحاظ پاکیزگی و گویش و هم از جهت مهر و محبت از او بهتر باشد. سپس امام صادق (ع) فرمودند: خدای متعال آن پسر را گرفت و به جایش دختری عطا کرد که از نسل این دختر هفتاد پیامبر برای هدایت بشر به دنیا آمدند و عجب دختر پربرکتی بود.^۴ از آنچه بیان شد، به خوبی جایگاه و نقش ممتاز دختر شناخته می‌شود. طبعاً تحقق کامل و بهینه این نقش، الزاماتی را می‌طلبد که الگوی تعالی دختران به آن‌ها پرداخته است. هویت‌شناسی، جایگاه‌شناسی دختران در خانواده، آداب معاشرت با اعضای خانواده و دوستان، انتخاب درست مسیر علمی دخترانه و شناخت بلوغ دخترانه، نمونه‌هایی از این الزامات است.

مثلاً الزام شناخت بلوغ دخترانه، دختر را به این امر توجه می‌دهد که درباره بلوغ خود به سبب ویژگی‌های زنانه‌ای که دارد، شناخت پیدا کند. بداند سن بلوغ دختران پایین آمده و به ۹ و ۱۰ سال رسیده است. چرایی این امر و عوارض بلوغ زودرس را بشناسد. اینکه ورزش سن بلوغ دختران را بالا می‌برد و کاهش آسیب‌های اجتماعی و افزایش اعتماد به نفس را در پی دارد. تغذیه مناسب سن بلوغ را یاد بگیرد؛ چراکه با رشد سریع جسمی در هنگام بلوغ مواجه است. بحث بهداشت فردی و آموزش‌های لازم چه در زمینه قاعده‌گی

دختران و جوش‌های آکنه و... و چه در زمینه مسائل روحی و روانی مانند میل به گوشه‌گیری، حساسیت به انتقاد دیگران، نداشتن احساس امنیت و اعتماد، اختلال در خواب، کنجکاوی، اضطراب و نگرانی و... را مورد توجه قرار داده و رفتار و واکنش مناسب و صحیح را از خود نشان دهد.

در نهایت باید گفت الزامات نقش دختری الگوی تعالی، عبور سالم و با نشاط دختر از دوران دختری را به همراه دارد و زمینه بر عهده گرفتن و محقق کردن نقش‌های مهم همسری، مادری و اجتماعی در آینده را، برای او فراهم خواهد کرد.

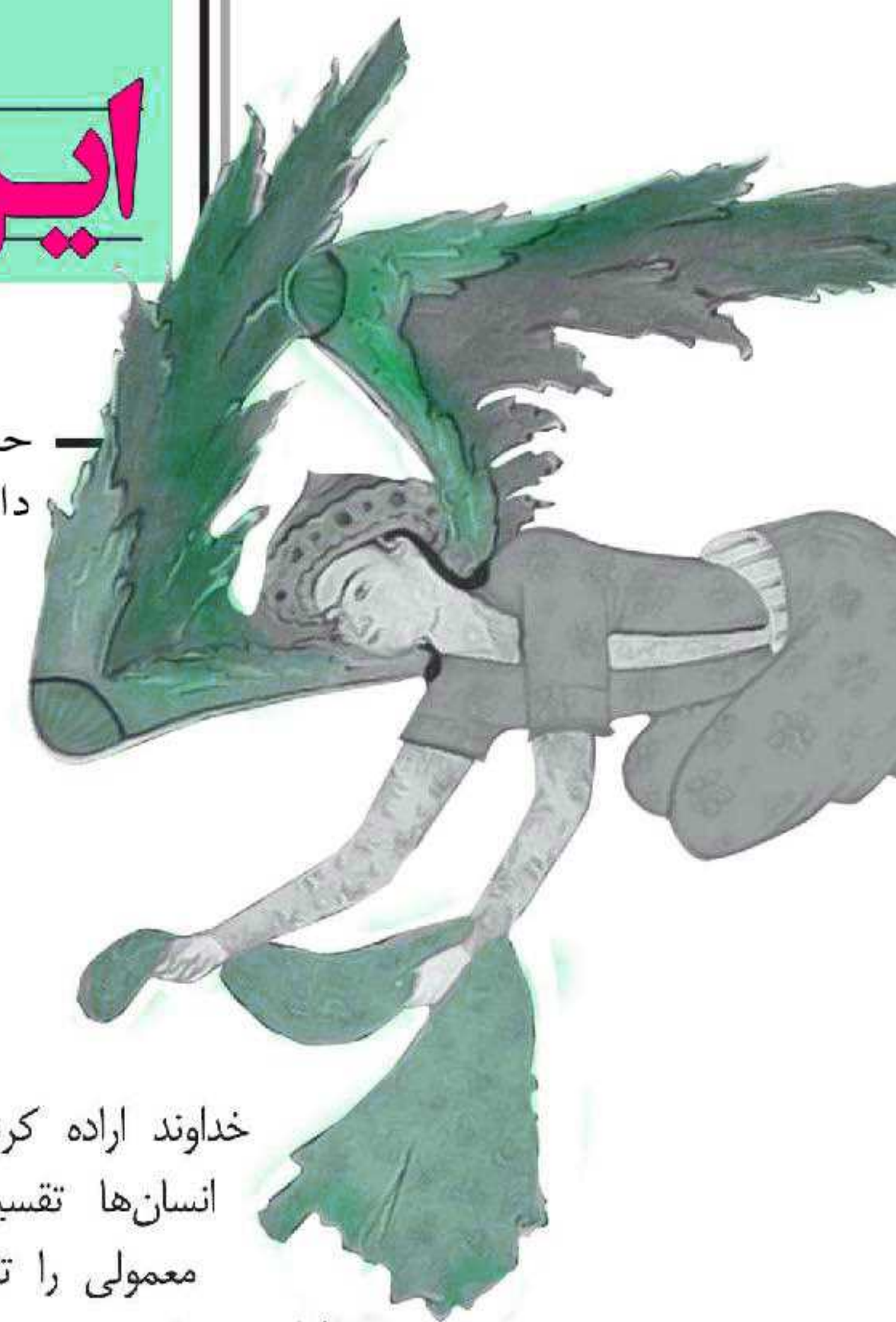
همیشه دختر امروز، مادر فرداست ز مادرست میسر، بزرگی پسران^۵

نقش‌های همسری، مادری و اجتماعی هم هنگامی به صورت بهینه ایفا خواهند شد که الزامات آن‌ها مورد توجه دختران قرار گیرد و آن‌ها این الزامات و اهداف ذکر شده در الگوی تعالی را محقق کنند.

۱. ن.ک: جامعه‌شناسی خانواده با نگاهی به منابع اسلامی، حسین بستان، ص ۱۹۹-۲۰۰.
۲. ن.ک: زن در اسلام، ج ۱، فربا علاسوند، ص ۱۶۰ تا ۱۶۳.
۳. شوری، ۴۹.
۴. کشف، ۷۴.
۵. کافی، ج ۶ ص ۶.
۶. پروین اعتصامی.

این سند زنانه است؛ ورود آقایان ممنوع!

حجت الاسلام و المسلمین هادی عجمی
دانشجوی دکتری فقه و اصول، حوزه علمیه قم



اما دیگر قرار نیست این کار را خودش انجام دهد و باید به یکی از انسان‌ها بسپارد. گزینه‌های زیادی را هم ندارد؛ مرد یا زن. آدم یا حوا! یکی از این دو باید آن را انجام دهد.

بنابراین، هر کدام را که انتخاب کند، باید آن صفات خدایی را در او قرار دهد، تا او نیز بتواند کار خدایی کند. دوم اینکه، آن وظیفه چنان اهمیت دارد که باید سر او را برای انجامش خلوت کرد. کارهای دیگر را به انسان دیگری باید داد، تا او از پس این کار مهم، دقیق، وقت‌گیر و خدایی برآید. نگاهی به هر دو کرد. هر دو را خوب می‌شناخت، خودش آن‌ها را خلق کرده بود. به دست خودش!

انتخاب انجام شد. کارها تقسیم شد. تمام آن صفات خدایی که برای این کار لازم بود، به او داده شد. انجام این کار شد، حریم خصوصی حوا و دخترانش. قرار بر این شد که در این کار، آدم و پسرانش دخالت نکنند و او را کمک کنند. کار که توضیح داده شد، بر دفتری ثبت شد. حوا به نمایندگی از تمامی دخترانش، آن را امضا

خداوند اراده کرد، کارها را میان انسان‌ها تقسیم کند. کارهای معمولی را تقسیم کرد، تا به کاری بسیار مهم رسید. هرچه به کار نظر کرد، دید کار خودش است. کسی باید آن را انجام دهد که به صفاتش نزدیک‌تر باشد. قرار است در این کار، ارتباط مستقیم و پیوسته با انجام دهنده آن داشته باشد. انسانی را باید انتخاب کند که صفات لازم برای آن کار، که به صفات خداوند نزدیک است را داشته باشد و در بین انجام کار، ارتباطی مستقیم را با او داشته باشد. دفعه قبل، خداوند، خودش این کار را انجام داده بود. چون خیلی مهم بود. با دست خودش این کار را انجام داده بود. آن چنان ماهرانه، که فرشته‌هایش، انگشت حیرت به دهان گرفتند و به دستورش بر ساخته او سجده کردند.^۲

کرد. پیمان‌نامه^۳ که امضا شد، فرشتگان بر آن مهر زدند و بر آن نوشتند: این سند زنانه است؛ ورود آقایان ممنوع!

این سند، عهدنامه‌ای بود میان خداوند و حوا و تمام دخترانش. حوا به نمایندگی از دخترانش، پیمان‌هایی که باید می‌داد را نگاهی کرد... ترسید. ترسید که نتواند انجام دهد. کاری خدایی بود. وظیفه‌ای مهم و البته مقداری دشوار. با صدایی زنانه، به همان شیوه که می‌دانست این‌گونه بهتر جواب می‌گیرد، گفت: خدایا! تو چه در من دیدی که این درجه را به من دادی؟ شکر تو که این همه مرا بزرگ دیدی و شبیه خود دانستی! حتما هر چه تو تصمیم بگیری، همان درست است؛ اما می‌ترسم از پس این مهم برنیایم و شرمند تو شوم...

سرش پایین بود که صدایی پدرا نه، با او سخن گفت. آن چنان مهربانانه، که آدم بر آن رشک برد: تو را با دست خود خلق کردم و می‌دانم از پشش برمی‌آیی. من قرار شد که بخشی از خالقیتم را به انسان بسپارم. وقتی تو را خلق می‌کردم، از صفات خدایی خودم، یعنی مهربانی، پرورش دهنده‌گی، صبر که برای خالقیت و پروردگاری

کردن لازم بود، در تو قرار دادم، تا بتوانی، مادری کنی و شوهر داری. از درونت و پرسش‌هایت خبر دارم. خیالت راحت. تو را عاشق عبادت یافتم، برای همین بالاترین عبادت را به تو عنایت کردم. تا آنجا که گاهی عبادت‌های عمومی را کنار می‌نهی و به این عبادت‌های خاص مشغول و به من نزدیک می‌شوی. توان این کار مهم را چون آدم و پسرانش ندارند، به تو دادم. آن‌ها حق ورود به این عبادت را ندارند! وقتی در لباس خالقیت قرار می‌گیری و مرا در خلق انسان کمک می‌کنی؛ وقتی در پروردگاری



مرا کمک می‌کنی و در پرورش شوهرت مرا یاری می‌رسانی؛ وقتی بر سختی‌های مادر بودن و تحمل مردها، مرا یاری می‌رسانی، به تو مباحثات می‌کنم و به فرشتگانی که به خلق تو ایراد می‌گرفتند، می‌گویم: نگفتم، من چیزی را می‌دانم که شما نمی‌دانید!^۴

سال‌ها بعد...

سال‌ها گذشت و برخی دخترهای حوا این پیمان‌نامه را فراموش کردند. یکی^۵ از آن‌ها روزی خدمت رسول خدا رسید و گفت: پدر و مادرم به فدایت! من به نمایندگی از طرف زن‌ها نزد شما آمده‌ام و - فدایت شوم - می‌دانم که هیچ زنی در شرق و غرب عالم نیست که سخن مرا بشنود، مگر اینکه با من هم رأی خواهد بود. خداوند تو را به حق سوی مردان و زنان فرستاد و ما هم به تو و خدایی که تو را فرستاده است، ایمان آوردیم. ما طایفه زنان، محدود و محصور هستیم و اساس خانه‌های شما می‌باشیم و خواهش‌های شما را برمی‌آوریم و فرزندان شما را حامله می‌شویم. اما شما مردها بر ما برتری‌هایی دارید. مثلاً نماز جمعه و جماعت می‌خوانید، به عیادت بیماران می‌روید، تشییع جنازه می‌کنید و پیایی به زیارت حج می‌روید و بالاتر از همه این‌ها، جهاد در راه خداست. هرگاه مردی از شما برای حج یا عمره یا جهاد از خانه بیرون می‌رود، ما اموال شما را حفظ می‌کنیم و پارچه‌های لباس‌های‌تان را می‌بافیم و فرزندان‌تان را تربیت می‌کنیم.

پس ای رسول خدا! آیا در اجر و ثواب شریک شما نیستیم؟ پیامبر رو به اصحاب خود کرد و فرمود: آیا تا به حال شنیده‌اید که زنی در پرسش از امور دین خود به این خوبی سخن بگوید؟ عرض کردند: ای رسول خدا! گمان نمی‌کردیم که زنی تا بدین پایه برسد!

پیامبر رو به او کرد و فرمود: ای زن! برگرد و به زنانی که تو را به نمایندگی فرستاده‌اند اعلام کن که نیکو شوهرداری هر یک از شما زنان و جلب رضایت مردش و پیروی کردن از نظر موافق او با همه این اعمال [که برای مردان نام بردی] برابری می‌کند. اسماء در حالی که از شادی تهلیل (لا اله الا الله) و تکبیر می‌گفت، برگشت.^۶

لحظه تفکر!

عبادت چیست؟ چرا ما عبادت را تنها به انجام مناسک می‌دانیم؟ اما از حقیقت عبادت غافل هستیم!

آیا اگر خداوند می‌گویند: «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ؛ من جن و انس را نیافریدم، مگر برای اینکه عبادتم کنند»^۷ منظورشان تنها انجام مناسک است؟

عیسی بن عبدالله به امام صادق عرض کرد: فدایت شوم، عبادت چیست؟ حضرت فرمودند: «حَسَنَ التَّيَّةِ بِالطَّاعَةِ مِنَ الْوَجْهِ الَّتِي يَطَاعُ اللَّهُ مِنْهَا؛ نیت پاک و خالص در اعمالی که اطاعت خداوند در آن‌ها است».^۸

بنابراین، آن لحظه ما در حال او عبادت هستیم که در حال اطاعت خداوند هستیم. اما

اگر وظایف‌مان را انجام ندهیم و نافرمانی او کنیم، خداوند اعمال ما را هم قبول نمی‌کند. مانند اینکه پیامبر در روایتی دیگر فرمودند: «هشت نفرند که نمازشان پذیرفته نمی‌شود: [یکی از آن‌ها]... زن نافرمانی که شوهرش از او ناراضی است».^۹

بنابراین، باید نگاهی دوباره به تعریف عبادت داشته باشیم، به‌ویژه دختران و خواهرانی که به دنبال رضایت الهی هستند.

۱. «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ؛ انعام، ۲.

۲. «وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ؛ اعراف، ۱۱.

۳. از آنجا که احکام الهی در حقیقت، پیمان‌های الهی هستند، این پیمان‌نامه اشاره به وظایف الهی زنان در مورد امور شوهرداری و فرزندآوری دارد.

۴. این داستان، برداشتی آزاد از روایاتی است که اشاره

با جایگاه مادری و همسری و عبادت او در این مقام دارد.

۵. اسماء دختر یزید انصاری.

۶. میزان الحکمه، ص ۵۴۸۸.

۷. ذریات، ۵۶.

۸. اصول کافی، ج ۲، ص ۸۳.

۹. «يَا أَيُّهَا النَّسَاءُ لَا يَقْبَلُ مِنْهُنَّ الصَّلَاةُ... وَالنَّاسِئُ وَ زَوْجَهَا عَلَيْهَا سَاخِطٌ؛ همان، ج ۸۱، ص ۱۸۳.

مهم‌ترین صفات دخترانه

بررسی صفات شخصیت‌ساز در الگوی تعالی دختران

حجت الاسلام و المسلمین حسن جعفریان
استاد حوزه علمیه

برخی زندگی را میدان جنگ می‌دانند و خود در وسط این میدان با هر وسیله‌ای که بتوانند از خود دفاع می‌کنند. تصور آن‌ها بر این است که دیگران همواره، در صدد نابود کردن حقوق‌شان هستند، بنابراین، حتی گاه می‌خواهند برای اطمینان، قدری به حقوق دیگران هم تجاوز کنند تا مطمئن شوند که چیزی از دست نداده‌اند.

برخی اما زیستن را چیزی فراتر از استیفای حقوق می‌دانند؛ زندگی از نظر این افراد نه «میدان جنگ» که «عرصه سازندگی» است. بر همین اساس، ضمن محافظت از حقوق، به تکالیف انسانی و الهی خود هم توجه می‌کنند و فراتر از آن به ارزش‌های اخلاقی پایبندند و گاه حاضرند برای حفظ این ارزش‌ها، از برخی حقوق خود دست بردارند.

هر کدام از این دو، نوعی نگاه به زندگی انسانی است که ویژگی‌های خاص خود را دارد و به طور طبیعی، صفات، گرایش‌ها و رفتارهای مخصوصی ایجاد می‌کند. بعضی از صفات انسان، به صورت مستقیم، با نگرش‌هایش در ارتباط هستند و در حقیقت ساختار اصلی و استخوان‌بندی اولیه

شخصیت انسان را تشکیل می‌دهند. این ویژگی‌ها می‌توانند به مرور، صفات دیگر و رفتارهای متناسبی را تولید کنند. هر کدام از این ویژگی‌ها، یک نقطه مرکزی است که منظومه‌ای از صفات و رفتارها در مدار آن می‌چرخند و به همین جهت، تعیین جهت اصلی شخصیت هر فرد، بر اساس همین صفات اتفاق می‌افتد. هر «صفت شخصیت‌ساز» می‌تواند بخشی از ساختار اصلی شخصیت انسان را شکل دهد و به عبارتی آن را بسازد. مثلاً صفت مهربانی، یک ویژگی است و اگر در شخصیت کسی وجود داشته باشد، او دارای ویژگی‌های دیگری نیز خواهد بود؛ ویژگی‌هایی چون کمک‌رسانی به دیگران، همدردی با هم‌نوعان، خودداری از آزار و اذیت دیگران، خوشرویی و برخورد مناسب با بندگان خدا، احساس آرامش و...، که در اخلاق و رفتار او مشاهده می‌شود. همه این‌ها به نوعی به همان ویژگی مهربانی برمی‌گردد. البته صفات شخصیت‌ساز، ممکن است صفات مثبت باشند که در این صورت جهت شخصیت فرد به سمت مثبتی خواهد بود و یا اینکه منفی باشند که در این صورت

هم، جهت مذکور منفی است. «قُلْ كُلُّ يَعْمَلْ عَلَى شَاكِلَتِهِ» یعنی همین!

بنابراین، صفات شخصیت‌ساز دو ویژگی مهم دارند:

۱. هر صفت شخصیت‌ساز، نسبت به بعضی صفات دیگر و همچنین برخی رفتارهای انسان محوریت دارد.

۲. هر صفت شخصیت‌ساز، به خاطر برخورداری از محوریت مذکور، در شاکله

شخصیت انسان، از صفات زیربنایی به شمار می‌رود.

در کار تربیتی، نباید فقط به روبناها و ظواهر پرداخت. بلکه باید ریشه‌ها را شناخت و کار را از ریشه‌ها آغاز کرد. کسی که بتواند ریشه‌ها را محکم کند، در آینده، از شاخه‌ها و ثمرات مهم و مطلوبی برخوردار خواهد شد، ولی کسی که فقط به ثمرات و شاخه‌ها بپردازد و از ریشه‌ها غافل شود، ممکن است بعد از مدتی تمام درخت را از دست بدهد. صفات شخصیت‌ساز، چون ریشه‌های درخت شخصیت انسانند و مربی باید تمرکز خود را روی همین صفات قرار دهد تا بتواند به نتیجه مطلوب دست یابد.

در بررسی صفات شخصیت‌ساز دختران،

این صفات در
واقع مبدأ صفات
و ملکات دیگر
و شکل‌دهنده
بسیاری از
رفتارهای دختران
هستند



«عاطفه و مهربانی» نیاز بیشتری دارند.

۲. برای دختران و زنان، آسیب‌های تهدیدکننده‌ای وجود دارد. رهایی از این آسیب‌ها بدون وجود این «صفات شخصیت‌ساز» غیر ممکن یا بسیار سخت است. به عنوان مثال: جنس زن و دختر، به گونه‌ای زیاتر از جنس مرد خلق شده است و خود نیز به زیبایی و تجمل علاقه فراوانی دارد. بانوان دوست دارند محیط زندگی‌شان همواره تمیز، زیبا، دلپذیر و روح‌بخش باشد. از طرفی آنان تنوع را در این موضوع بسیار می‌پسندند، زود به زود دکوراسیون منزل را عوض می‌کنند، لباس‌های مختلف و رنگارنگ تن می‌کنند و... این‌ها ویژگی‌های مثبتی است که در زنان و دختران وجود دارد و سبب زیاتر شدن زندگی برای آنان و دیگر افراد خانواده می‌شود. در عین حال، اگر دختری با وجود این ویژگی‌های مثبت، از صفت «قناعت»^۶ برخوردار نباشد، ممکن است دچار افراط، اسراف و زیاده‌روی گردد و در نتیجه هزینه‌های زیادی برای برآوردن نیازهای خود داشته باشد، که این امر به مرور در زندگی او و حتی در زندگی مشترکش تأثیر منفی برجای خواهد گذاشت. بنابراین، به خاطر وجود چنین آسیبی، دختران به «صفت شخصیت‌ساز قناعت» نیاز دارند تا از این آسیب در امان باشند.

سؤالات بسیاری درباره صفات شخصیت‌ساز به ذهن می‌آید؛ یکی از مهم‌ترین سؤالات این است که چگونه و با چه عواملی می‌توان این صفات شخصیت‌ساز را در وجود دختران، ایجاد کرد؟ واضح است که این مجال کوتاه، جای پاسخ تفصیلی به این سؤال مهم نیست، در عین حال به صورت خلاصه به نکاتی اشاره می‌شود:

۱. برخی صفات به صورت طبیعی در شخصیت دختران وجود دارند و فقط نیازمند تقویت هستند (مانند عاطفه و مهربانی)، ولی برخی صفات، ممکن است وجود نداشته

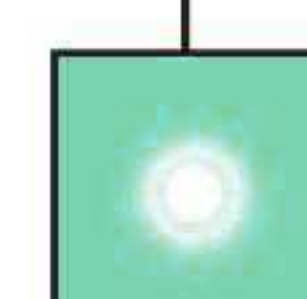
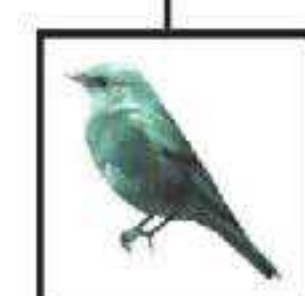
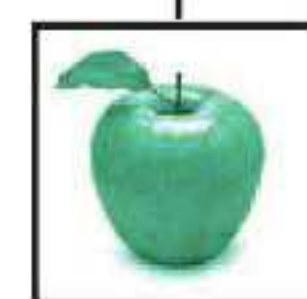
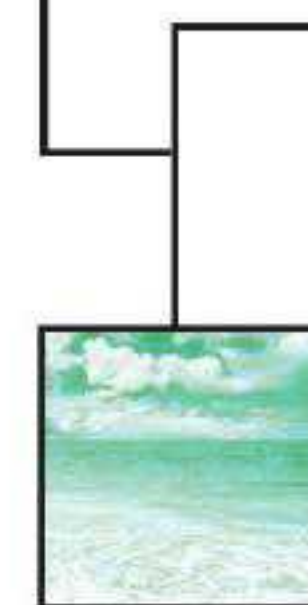
برخی ویژگی‌های دختران را در روایتی همراه با تحسین بیان می‌کند، این ویژگی‌ها، مبتنی بر همان عاطفه دخترانه است. از نگاه آن حضرت، دختران، به سبب دختر بودنشان، از روح و روان ظریفی برخوردارند، اهل لطف و محبت‌اند^۲ و اهل پرستاری‌اند،^۳ دختران ممکن است به خاطر پرستاری از دیگری، حتی خود را به خطر بیندازند. از نظر رسول گرامی‌مان دختران به راحتی با دیگران انس می‌گیرند و بدین طریق زمینه آرامش آنان را فراهم می‌آورند. آنان دل‌نازک‌اند و به همین سبب گریه می‌کنند،^۴ آن‌ها برای چیزهایی گریه می‌کنند که ممکن است پسران به خاطرش خم به ابرو نیاورند. پس دختران در ذات و فطرت الهی خود، سرمایه بزرگ عاطفه را دارند. از طرفی، دختران نقش‌های مهمی چون مادری و همسری و مأموریت‌های مهمی چون بزرگ کردن و تربیت فرزندان برعهده دارند. تحمل دوره سخت بارداری، بی‌خوابی‌ها و شب‌بیداری‌ها، تحمل سختی‌ها و جان‌فشانی‌ها در راه فرزندپروری و... از سختی‌های مادری است و این همه نشان از این است که دختران، به تقویت ویژگی

می‌توان ۹ صفت مهم و زیربنایی را به عنوان «صفات شخصیت‌ساز دختران» برشمرد. این صفات در واقع مبدأ صفات و ملکات دیگر و شکل‌دهنده بسیاری از رفتارهای دختران هستند. صفات شخصیت‌ساز دختران عبارتند از:

- عاطفه و مهربانی
- عفو و گذشت
- ایثار و فداکاری
- پرکاری و پشتکار
- صبر در برابر مشکلات
- پرهیز از عصبانیت
- پرهیز از حسادت
- حسن ظن
- قناعت

آنچه سبب می‌شود در «الگوی تعالی دختران» از این ۹ ویژگی، به عنوان «صفات شخصیت‌ساز» تعبیر شود، وجود دو معیار دخترانه است:

۱. دختران از ساخت وجودی خاصی برخوردارند و از طرفی، نقش‌ها و مأموریت‌هایی خاص برعهده دارند که سبب می‌شود نیاز بیشتری به این صفات پیدا کنند. برای نمونه: خدای متعال، جنس زن را به عنوان مظهر مهربانی و عطوفت آفریده است. دختران و مادران، عناصر اصلی مهربانی و عاطفه در خانواده و جامعه هستند. پیامبر اعظم (ص)



از نظر تربیت
دینی، صفاتی
مفیدتر، ماندگارتر،
مؤثرتر و
ارزشمندتر هستند
که مبتنی بر
بینش باشند.

مروری بر نقش زنان در فعالیت‌های اجتماعی

زهرا لاهوتیان (مربی اتحادیه در استان همدان)

سرزمین حجاز دختران را زنده به گور کردند و هیچ‌گونه حقی حتی برای زنده ماندنشان قائل نبودند، براساس آیه مذکور با طرح بیعت زنان با پیامبر، هویت مستقل سیاسی، اجتماعی و حقوقی زنان مورد تأیید قرار می‌گیرد.

تاریخ اسلام نیز شاهد حضور سیاسی زنان در میان امت اسلامی بوده است. حضرت زهرا (ع) یکی از مظاهر این حضور است؛ حمایت ایشان از پیامبر گرامی اسلام در ابتدای تبلیغ، حضور حضرت زهرا (ع) در مجلس یا به تعبیری دیگر میتینگ سیاسی مباحله، حمایت و دفاع از امام علی (ع) در جانشینی پیامبر، اعتراض به خلیفه اول در زمینه غصب فدک، اعتراض به خلیفه اول و دوم در زمینه عملکرد آن‌ها، اعتراض

به انصار در زمینه سکوت و

تساهل، اعتراض به یورش

به منزل امام علی (ع)

و بی‌حرمتی به ایشان

و... نمونه‌هایی از

این حضور است.

همچنین حضرت

زینب (ع) مظهر دیگر

مشارکت سیاسی زنان

شاید امروزه بسیاری از زنان جامعه خواهان مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی بوده و آن را حق مسلم خود بدانند. دین مبین اسلام نیز یکی از بهترین و مهم‌ترین دیدگاه‌ها را در این زمینه بیان کرده است؛ البته رعایت یک‌سری از آداب را در این مشارکت لازم دانسته و بر آن‌ها تأکید می‌کند. به این ترتیب، می‌توان ابعاد حضور اجتماعی زنان در جامعه را در زمینه سیاسی، فرهنگی و اقتصادی مطرح کرد:

۱. حضور سیاسی زنان در جامعه:

همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در حجاز، پیامبر گرامی اسلام، مشارکت سیاسی در تعیین حکومت اسلامی را در نظر قرار داده و از زنان خواستند که در این امر مهم شرکت نمایند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ای پیامبر! هنگامی که زنان مؤمن به سوی تو می‌آیند (و می‌خواهند) با تو بیعت کنند که چیزی را برای خدا شریک نیاورند، دزدی و زنا نکنند، فرزندان خود را نکشند، فرزند نامشروع نیاورند و آن را به دروغ به شوهر خویش نسبت ندهند و در هیچ کار نیکی، تو را فراموش نکنند، با آن‌ها بیعت کن و از خداوند برای آن‌ها آمرزش بخواه که خداوند آمرزنده و مهربان است.^۱

شایان ذکر است که در عصری که در

از شرایط جسمی، خانوادگی و اجتماعی خاصی برخوردارند. ممکن است این شرایط، نیاز دختران به یاری مربی را بیشتر کند. گاه نیازمند فرصتی هستند که دوره نقاهت جسمی‌شان سپری شود، گاه دچار برخی کم‌لطفی‌های اطرافیان می‌شوند و نیازمند روحیه بخشی مضاعف‌اند و...

۵. گاه مانعی وجود دارد که فرصت تربیت را برای مربی تنگ می‌کند و مربی را از طی مسیر تربیتی باز می‌دارد. این مانع ممکن است دوست ناباب، محیط آلوده و یا یأس و ناامیدی مفرط در اثر شکست‌های سابق باشد. هرچه که هست، مربی با شناخت این موانع می‌تواند از بروز یا پیشرفت آن‌ها جلوگیری کند تا حرکت برای مربی آسان‌تر شود.

به هر حال، راه درست، یکی بیش نیست. مربیان و والدین باید عوامل و موانع رشد و شکوفایی عواطف دخترانه را بشناسند و با برنامه‌های تربیتی درست، به قدر توان، هم از موانع بکاهند و هم عوامل را برقرار کنند.

۱. یگو: هر کس بر پایه خلق و خوی و عادت‌های

اکتسابی خود عمل می‌کند؛ اسراء، ۸۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۵.

۳. همان.

۴. مستدرک الوسائل، ج ۱۵، ص ۱۱۵.

۵. همان.

۶. قال علی: لا کنز کالقاعة؛ غررالحکم، ص ۳۹۱.

باشند و باید ایجاد شوند (مانند قناعت)، توجه به این تفاوت‌ها بسیار مهم و ضروری است. ۲. صفات و اخلاق انسان یا مبتنی بر عادت شکل گرفته‌اند و یا مبتنی بر شناخت و بینش؛ از نظر تربیت دینی، صفاتی مفیدتر، ماندگارتر، مؤثرتر و ارزشمندتر هستند که مبتنی بر بینش باشند. باید شناخت متریان نسبت به «صفات شخصیت‌ساز» بیشتر شود تا نسبت به آن انگیزش درونی داشته باشند و به راحتی برای ایجاد یا تقویت آن تلاش کنند.

۳. ارتباط بین صفات اخلاقی و رفتارهای انسان، دو سویه است. از طرفی صفات منشأ رفتارها هستند و از طرف دیگر، رفتارها سبب ماندگاری و تقویت صفات می‌شوند. بنابراین، از اصل تمرین و مهارت‌افزایی نباید غافل شد. به عنوان مثال: در مسئله عاطفه و مهربانی، دختران باید بتوانند «هوش هیجانی» خود را تقویت کنند، «شیوه‌های کنترل احساسات» را بیاموزند و خود را برای استفاده از این سرمایه عظیم تکوینی آماده نمایند. «مهارت‌افزایی» در استفاده از هیجانات و احساسات می‌تواند هم مسیر «مهرورزی صحیح» دختران را باز کند و هم راه بسیاری از اشتباهات و انحرافات را ببندد.

۴. دختران از پشتکار بیشتری برخوردارند و گرایش آنان به فضایل اخلاقی بیشتر است. بنابراین، انگیزه خوبی برای برخورداری از صفات مذکور دارند، در عین حال، آنان





در حکومت اسلامی است. حضور ایشان و سایر زنان بنی‌هاشم در واقعه عاشورا و افشاگری‌های بعد از آن، در میان مجلس سران حکومت و نیز در میان مردم مثال زدنی است. عملکرد حضرت زهرا (علیها السلام) و حضرت زینب (علیها السلام) به گونه‌ای است که حتی تا به امروز هم، در هیچ کجای جهان و با مطالعه عملکرد هیچ زنی در دنیا نظیر آن یافته نمی‌شود.

هجرت سیاسی زنان دوشادوش مردان از قلمرویی به قلمرو دیگر، حضور آنان در جبهه‌های جنگ به عنوان پرستار و یا امدادگر و حتی در برخی موارد جهاد مسلحانه آنان با دشمن، انجام وظیفه امر به معروف و نهی از منکر، تحمل مجازات مرگ به دلیل گرایش‌های سیاسی (شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) شهادت سمیه (علیها السلام) و...) از دیگر ابعاد حضور سیاسی زنان در میان حکومت اسلامی است.

در عصر حاضر و در حکومت جمهوری اسلامی ایران، امام خمینی نیز، قائل بر حضور زنان در مسائل کشور بودند. ایشان بیان کردند: همه ملت ایران چه بانوان و چه مردان باید این خرابه‌ای که برای ما گذاشتند بسازند، با دست مرد تنها درست نمی‌شود، مرد و زن باید با هم این خرابه را بسازند.^۲

۲. حضور فرهنگی زنان در جامعه: به جرأت می‌توان گفت که دین اسلام یکی از مستحکم‌ترین

دیدگاه‌ها را در زمینه لزوم کسب معارف میان زنان و حضور فرهنگی و علمی آنان مطرح می‌کند. کم نیستند زنانی که از ابتدای ظهور اسلام، از مرجعیت علمی در میان مردم برخوردار بوده‌اند؛ مرجعیت علمی حضرت زهرا (علیها السلام) و پاسخ‌گویی ایشان به مسائل مربوط به مردان و زنان،^۳ بیان معارف الهی،^۴ حل اختلاف در مسائل دینی^۵ و بیان احکام شرعی توسط ایشان^۶ از نمونه‌های بارز حضور علمی و فرهنگی زنان در صدر اسلام است.

اما اسلام در مرحله اول، از لزوم کسب معرفت در میان زنان و مردان سخن می‌گوید: خداوند کسانی از شما را که ایمان آورده و کسانی را که دانشمندند گرامی می‌دارد.^۷ همچنین می‌فرماید: آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند، یکسان هستند؟^۸

اما در مرحله دوم، تأکید اسلام بر (صرفاً) علم‌آموزی زنان قرار می‌گیرد؛ چنان‌که حضرت رسول می‌فرماید: زنان انصار خوب زنانی هستند، شرم و حیا آنان را از تفقه در دین باز نداشته است.^۹

اهمیت این امر تا جایی است که اسلام یکی از وظایف مردان را تعلیم به زنان یا فراهم آوردن زمینه علم‌آموزی آنان دانسته و

عدم انجام آن را از گناهان کبیره قلمداد کرده است.^{۱۰} این در حالی است که در مسحیت و در بیان پولس آمده: زن را اجازه نمی‌دهم که تعلیم دهد؛ بلکه باید در سکوت بماند.^{۱۱}

۳. حضور اقتصادی زنان در جامعه: «اسلام به شکل بی‌سابقه‌ای حقوق زن را در مسائل مالی و اقتصادی رعایت کرده است. از طرفی به زن استقلال و آزادی کامل اقتصادی داده و دست مرد را از مال و کار او کوتاه کرده است و حق قیمومیت در معاملات زن را که در دنیای قدیم سابقه ممتد دارد و در اروپا تا اوایل قرن بیستم رایج بود، از مرد گرفته است.^{۱۲} از طرف دیگر با برداشتن مسئولیت مالی بودجه خانوادگی از دوش زن، او را از هر نوع اجبار و الزام برای دوییدن به دنبال پول معاف کرده است.^{۱۳}»



به نظر می‌رسد که دلیل این امر هم، نه به خاطر ایجاد محدودیت برای زنان، بلکه به منظور برداشتن بار مسئولیت تأمین مالی خانواده و جلوگیری از به زحمت افتادن اوست. اما از آنجا که در زمینه برخی از مشاغل مانند معلمی، پرستاری، خیاطی، دکتری، یا سرپرست خانوار بودن و... نیاز به حضور زنان احساس می‌شود، این معافیت بی‌اثر بوده و زنان در این گونه موارد، موظف به کار کردن هستند. پس به نظر می‌رسد در سایر مشاغلی که نیاز به حضور زنان نیست، از آنجا که دادن نفقه وظیفه و تکلیف مردان در خانواده است، زنان وجوب یا ضرورتی برای پیدا کردن شغل نداشته باشند. با این حال، علاقه زیادی برای دستیابی به شغل در میان بانوان دیده می‌شود.

از سوی دیگر، مسائل و مشکلاتی که در حواشی اشتغال تمام‌وقت زنان وجود دارد نیز، فراوان‌اند. با این حال، زنانی که مجبور به کار کردن هستند، کم نیستند و باید آن مشکلات را مورد توجه قرار داده و برای رفع آن‌ها تدابیری بیاندیشند.



در ادامه به برخی از این مشکلات اشاره می‌کنیم:

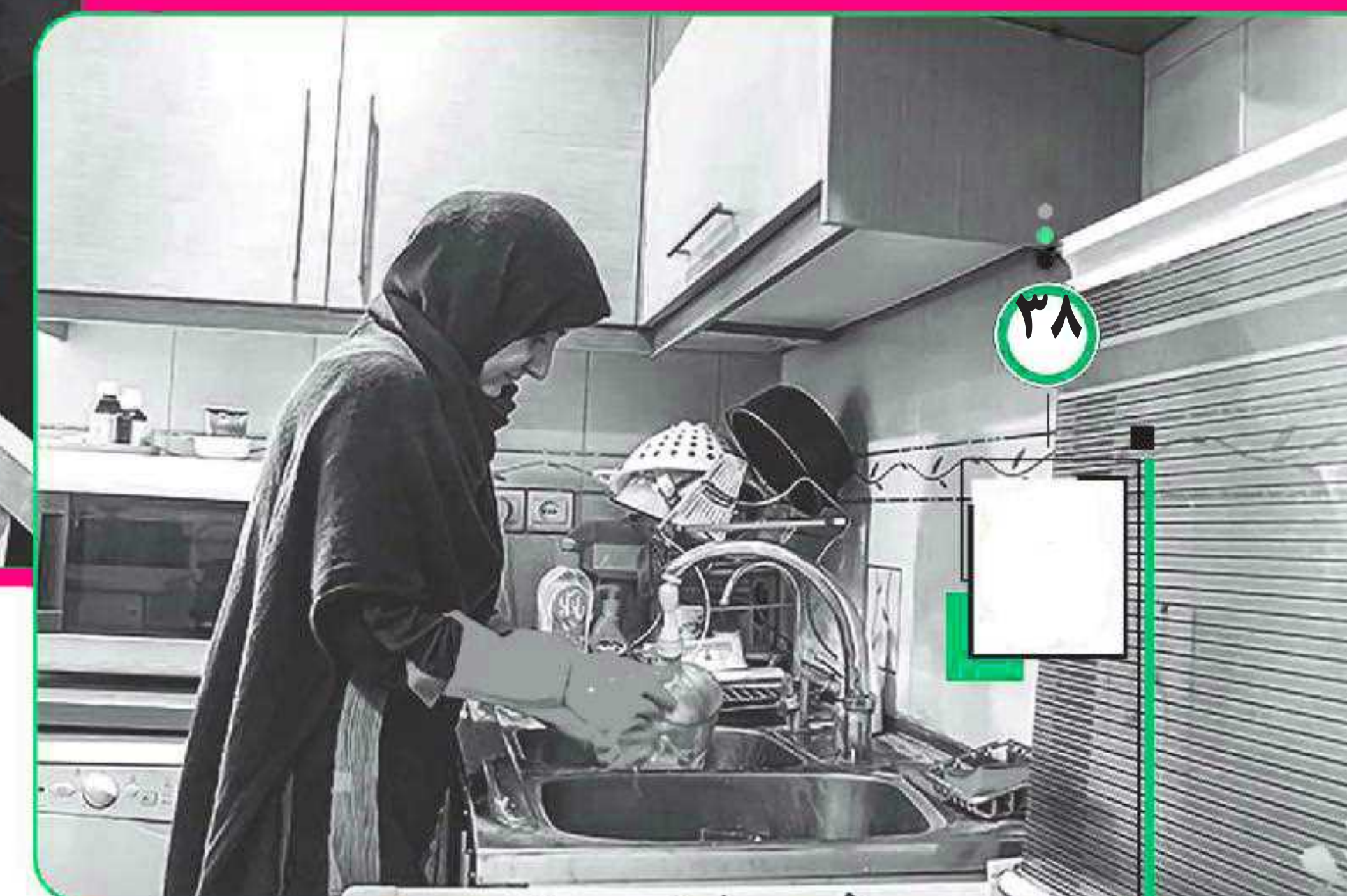
۱. کم‌رنگ شدن روابط عاطفی زن با سایر اعضای خانواده:

مهم‌ترین قدرت زن در خانواده، برقراری رابطه عاطفی او با همسر یا فرزندانش است. متأسفانه باید اقرار کرد که کار تمام‌وقت خانم‌ها، به معنای حذف روابط عاطفی اعضای خانواده و گسست آن‌ها از یکدیگر است. به صورتی که می‌توان گفت در خانه‌ای که زن و مرد هر دو کارمند باشند، فرزند آن‌ها دچار شبه یتیمی می‌گردد.

۲. اختلال در برقراری رابطه خانوادگی: همه ما به خوبی می‌دانیم که بیشتر روابط خانوادگی اعضای یک‌فامیل با احوال‌پرسی‌ها، زنگ زن‌ها و سراغ گرفتن‌های خانم‌ها است که شکل می‌گیرد و این به دلیل توان بالای یک زن در برقراری ارتباط، گرمی سخن‌وری، همدردی و دل‌جویی‌های اوست. اما هنگامی که زن اشتغال تمام وقت دارد، طبیعتاً دیگر وقتی برای ارتباط با

اعضای خانواده خود ندارد، چه برسد به دیگر اعضای فامیل.

۳. کسب درآمد بیشتر از یک سو و صرف هزینه‌های بیشتر از سوی دیگر: با مطالعه میزان کسب درآمد و صرف هزینه‌های خانواده، می‌توان متوجه شد که از یک سو به دلیل اشتغال زن، درآمد جدیدی به خانواده تزریق می‌شود و از سوی دیگر به دلیل همان مورد، هزینه‌های بیشتری هم صرف می‌شود؛ مثلاً محدودیت در وقت مادر باعث می‌شود که خانواده متحمل پرداخت هزینه مهدکودک، تهیه البسه خانواده در عوض خیاطی، تهیه مواد غذایی مورد نیاز خانواده به صورت آماده مثل شیرینی، سبزی خورد شده، پیاز داغ، رستوران گردی و... استفاده از خدمتکار برای نظافت منزل، خرید تبلت و وسایل سرگرمی برای فرزند و یا ثبت‌نام او در



کلاس‌های مختلف و... گردد.

همچنین می‌توان به پرداخت هزینه مسافرت و تفریح بیشتر به دلیل خستگی کاری یا رسیدن به آرامش روحی، و نیز صرف هزینه‌های درمانی بیشتر به دلیل عدم رعایت سبک زندگی و غذای سالم نیز اشاره کرد.

می‌توان به این امور، استرس یا درگیری ذهنی زن با محیط کاری مدت‌ها پس از پایان کار (به دلیل ویژگی روحی او)، سختی فرزندآوری به دلیل شرایط بیولوژیکی خاص یک زن اعم از بارداری، زایمان، شیردهی و... گرفتن فرصت کار کردن از مردان و افزایش نرخ بیکاری آن‌ها و در نتیجه عدم تشکیل خانواده، نداشتن وقت عبادت و راز و نیاز با خداوند، نداشتن ذهن آرام برای برقراری نظم و بکارگیری سلیقه در چیدمان منزل و... را به موارد فوق اضافه کرد.

آداب حضور در اجتماع

دین مبین اسلام علاوه بر پذیرفتن اصل حضور در جامعه، مقررات و آدابی هم در نظر گرفته است. در این خصوص، می‌توان برخی از آداب ذکر شده را نام برد:

۱. رعایت پوشش و نگاه: خداوند در آیه ۳۱ سوره نور، فروبستن چشم خود از نامحرم و رعایت پوشش اسلامی را به هنگام حضور در جامعه خواستار شده است.

۲. پرهیز از تبرج: تبرج به معنای نمایان کردن چیزی است که لازم است پوشیده و مخفی باشد. موضوع تبرج، زمانی مطرح می‌شود که ظاهراً حجاب زن رعایت شده ولی زن در عین پوشش، جلب توجه

کرده و دیگران را به خود جذب می‌کند.^{۱۴} ۳. عدم اختلاط زنان با مردان و شوخی نکردن با یکدیگر: رسول خدا ﷺ در این زمینه می‌فرماید: هرکس با زن نامحرمی شوخی کند، به ازای هر کلمه که می‌گوید، هزار سال زندانی می‌شود.^{۱۵}

پس اگرچه اسلام اصل حضور و مشارکت سیاسی، فرهنگی و اقتصادی زنان در جامعه را پذیرفته است، اما آداب حضور در جامعه را هم مطرح کرده است؛ تا هم زنان مورد سوءاستفاده مریض‌دلان قرار نگیرند و هم اینکه کانون خانواده‌ها در جامعه اسلامی از هم فرو نیفتد.

۱. ممتحنه، ۱۲.

۲. آزادی در اندیشه امام خمینی، ص ۱۳۳.

۳. ماساء الازهر، ص ۵۳-۵۴؛ به نقل از سایت حوزه.

۴. دلائل الإمامه، ج ۱؛ مستدرک الوسائل، ج ۱۲، ص ۸۱؛

سفینه البحار، ج ۲، ص ۱۱۲.

۵. الاحتجاج، ج ۱، ص ۱۵-۱۸.

۶. بحار الانوار، ج ۲، ص ۳.

۷. مجادله، ۱۱.

۸. زمر، ۹.

۹. کافی، ج ۱، ص ۳۵.

۱۰. مستند العروه الوثقی، ج ۲، ص ۳۶۲.

۱۱. زن در تاریخ و اندیشه اسلامی، ص ۲۱۲.

۱۲. نساء، ۲۲؛ برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره

ای است و برای زنان از آنچه کسب کرده‌اند بهره‌ای است.

۱۳. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۹، ص ۲۲۰.

۱۴. آداب حضور زنان در جامعه از منظر آیات و روایات؛

نشریه تبیان.

۱۵. بحار الانوار، ج ۷۳، ص ۳۶۳.

مسیر حیات — علم — دختران

آسیب‌ها، چالش‌ها

دکتر سمیه حاجی اسماعیلی

هیئت علمی مرکز تحقیقات زن و خانواده حوزه علمیه قم

به کوشش الهه پورسالاری

آموزش قبل از انقلاب برای عموم مردم با موانعی همراه بود. این وضعیت برای دختران (به علت شرایط خاص این جنس) بسیار سخت‌تر بود. پس از انقلاب این موانع مرتفع شد. در واقع انقلاب با ماهیت فرهنگی و انقلابی خود، آموزش همگانی و تساوی در آموزش را در سراسر کشور حتی روستاهای دور افتاده ایجاد نمود. این روند باعث افزایش حضور دختران و زنان در جوامع علمی شد تا جایی که در کنکور سراسری اخیر شاهد مشارکت شصت درصدی دختران هستیم. در این مسیر، اما اشتباهاتی را شاهد بودیم که از جمله آن‌ها می‌توان تساوی در شیوه‌ها و متون آموزشی و همچنین عدم توجه به تناسب رشته‌ای بین دختران و پسران را نام برد. سال‌ها پیش، وقتی ادبیات توسعه مطرح گردید، نگاه این بود که بین

دختران و پسران تساوی و برابری باشد. یکی از این اقدامات اشتباهی که در راستای اصلاح نظام آموزشی صورت گرفت، پاک‌سازی متون درسی از کلیشه‌های جنسیتی بود. نتیجه این کار، کمرنگ شدن تفاوت‌های جنسیتی بود و باعث شد بین کار مردانه و زنانه تمایزی صورت نگیرد. در صورتی که بر اساس اسلام، باید تفاوت‌های جنسیتی در تعلیم و تربیت لحاظ گردد. آن انتظاراتی که دین از دختران و پسران دارد، باید شکل بگیرد. اگر آموزش مثلاً متناسب با توانایی و ویژگی‌های خاص دختران نباشد، در طولانی مدت موجب آسیب دختران می‌شود. باید برنامه آشکار درسی (که همان کتب آموزشی است) و برنامه پنهان درسی (نگرش‌هایی که میان مربیان و معلمان وجود دارد و به دختران القامی‌شود) متناسب با دختري باشد که بعدها قرار است نقش مادری و همسری را بر عهده گیرد. از اولین آسیب‌هایی که یکسان‌سازی به وجود می‌آورد و اکنون نیز در جامعه شاهد آن هستیم؛ تحول در هویت جنسی است. اگر یک نظام آموزشی یکسان داشته باشیم، یعنی همان مواد درسی، همان ارزش‌ها

(ارزش‌هایی که برای پسران ارزشمند است و به آن‌ها یاد می‌دهیم، همان‌ها برای دختران هم ارزش باشد و به آن‌ها آموزش دهیم)، این نگاه در هویت جنسی دختران مشکلاتی را ایجاد می‌نماید. هنگامی که ویژگی‌های مردانه در نظام آموزش و پرورش تقدیس می‌شود و صفات برتر نشان داده می‌شود، تصویر دختر از خودش، مخدوش می‌شود و احساس نارضایتی می‌کند. در این صورت، ویژگی‌های دخترانه را سرکوب می‌کند و تلاش می‌کند مانند پسران باشد؛ زیرا دارا بودن آن ویژگی‌ها را مایه تحقیر خود می‌داند. این در حالی است که این ویژگی‌ها برای بانوان در طول زندگی لازم است؛ چون قرار است در آینده نقش همسری و مادری را بر عهده بگیرد. برای نمونه، اگر دختر، احساساتی بودن خودش را ضعف بداند به واسطه الگو قرار دادن پسران، سعی در سرکوب احساسات خود داشته باشد، چنین دختري در آینده، چگونه همسر و مادری خواهد بود؟

دومین محصول و آسیب این تفکر، کاهش کارآمدی خانواده است. با توجه به تأکید اسلام به ازدواج به‌ویژه در سنین پایین، با وجود چنین نظام آموزشی‌ای در کشور، مهارت‌های لازم برای تشکیل زندگی مشترک به پسران و دختران آموزش داده نمی‌شود و نتیجه آن،

افزایش فزاینده آمار طلاق است.

با این حال، متأسفانه در سند چشم‌انداز آموزش و پرورش نیز که آخرین سند آموزشی کشور است، نگاه خاصی به جنسیت نشده است. در این سند، به بیان کلیاتی مبهم چون پرورش پسران شجاع و تعلیم دختران عفیف، کفایت شده، که نهایت نگاه آن است. اینکه حتی این کار چگونه باید انجام شود، گره کوری است که راهی برای باز شدنش ارائه نشده است!

مسیر غلط را چه باید کرد؟!

در سطح کلان، باید متون اصلاح شود. سال‌های زیادی صرف شد تا دید جامعه و زنان آن تغییر کند، که این کار به تنهایی نمی‌تواند راه‌حل این مشکل باشد. بلکه باید با استفاده از مربیانی که نگاه صحیحی به زن دارند، این رویه اصلاح گردد. مربیان و معلمان که دید فمینیستی نداشته باشند و جایگاه والای زن را بشناسند که در این راستا نقش مربیان اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش‌آموزان بسیار چشم‌گیر است. کلاس‌های پرورشی و فوق برنامه نیز می‌تواند در این راستا خدمت شایانی کند. البته نباید فراموش شود که خانواده‌ها به عنوان کارگزار اولیه، باید نقش مثبت تربیتی خویش را ایفا کنند.

زن و آموزش

نکته مهمی که در آموزش دختران باید

متأسفانه

در سند

چشم‌انداز

آموزش و

پرورش نیز

که آخرین

سند آموزشی

کشور است،

نگاه خاصی

به جنسیت

نداشته است.

فضای مجازی و همدلی‌های دختران

فضای مجازی، دختران، فرصت‌ها و تهدیدها

سعيدة صفایی

دانشجوی دکتری مطالعات زنان دانشگاه تربیت مدرس

۴۳

چنین فضایی که به جهت آزادی ارتباطات، امکان مجهول ماندن هویت واقعی افراد، امکان بروز و ظهور شخصیت‌های جعلی و غیر واقعی از خود، تنوع و تکثر ارتباطات و... برای کاربران دارای جاذبه‌های ویژه‌ای است؛ در عین حال می‌تواند سرمنشأ بسیاری از آسیب‌ها و بحران‌ها نیز باشد. دختران در مقایسه با پسران، با توجه به ظرفیت ویژه روانی، از ویژگی همدلی و بیان عواطف و احساسات بیشتری برخوردار هستند. آن‌ها بیشتر تمایل دارند تا در ارتباط با دیگران و خصوصاً همسالان خود به ابراز احساسات و بیان عواطف

با گسترش روزافزون ارتباطات و توسعه جامعه اطلاعاتی، دسترسی افراد به ابزارهای اطلاع‌رسانی بیشتر شده و برقراری ارتباطات تسهیل یافته است. نیاز انسان به برقراری ارتباطات سریع و ساده در جهت برطرف کردن نیازهای مادی و معنوی، وی را به استفاده هر چه بیشتر از ابزارهای نوین ارتباطی سوق می‌دهد. در این میان فضای مجازی از سهل‌الوصول‌ترین راه‌های برقراری ارتباط با دیگران است.

در این فضا، وجود شبکه‌های اجتماعی، عاملی در تسهیل روند فزاینده برقراری ارتباطات مجازی است. شبکه‌های اجتماعی محل گردهمایی میلیون‌ها کاربر اینترنت است که بدون توجه به مرز، زبان، جنس و فرهنگ، به تعامل و تبادل اطلاعات می‌پردازند.^۱ کاربران شبکه‌های اجتماعی، قشرهای مختلفی هستند که زنان به‌ویژه دختران نوجوان، با توجه به ویژگی‌های عاطفی و روحی و نیاز بیشتر به برقراری ارتباط با گروه همسالان و همچنین برخورداری از روحیه کنجکاوی و علاقه به کسب تجربیات جدید، قشر گسترده‌ای از آن را تشکیل می‌دهند، که نحوه استفاده آنان از ظرفیت فضای مجازی حائز اهمیت است.



زن در احساس است؛^۲ بدانیم که احساس، همانند تعقل، نیاز جامعه امروزی است و این جمله توهین به این جنس محسوب نمی‌شود، بلکه بدون احساس، جامعه در خطر است. در واقع، ویژگی‌های مختص مردان فقط در وجود مردان ارزشمند است و داشتن آن برای زنان، نه تنها باعث تمایز و تشخیص او نمی‌شود، بلکه برای موجودیت او مضر است.

پیشنهاد

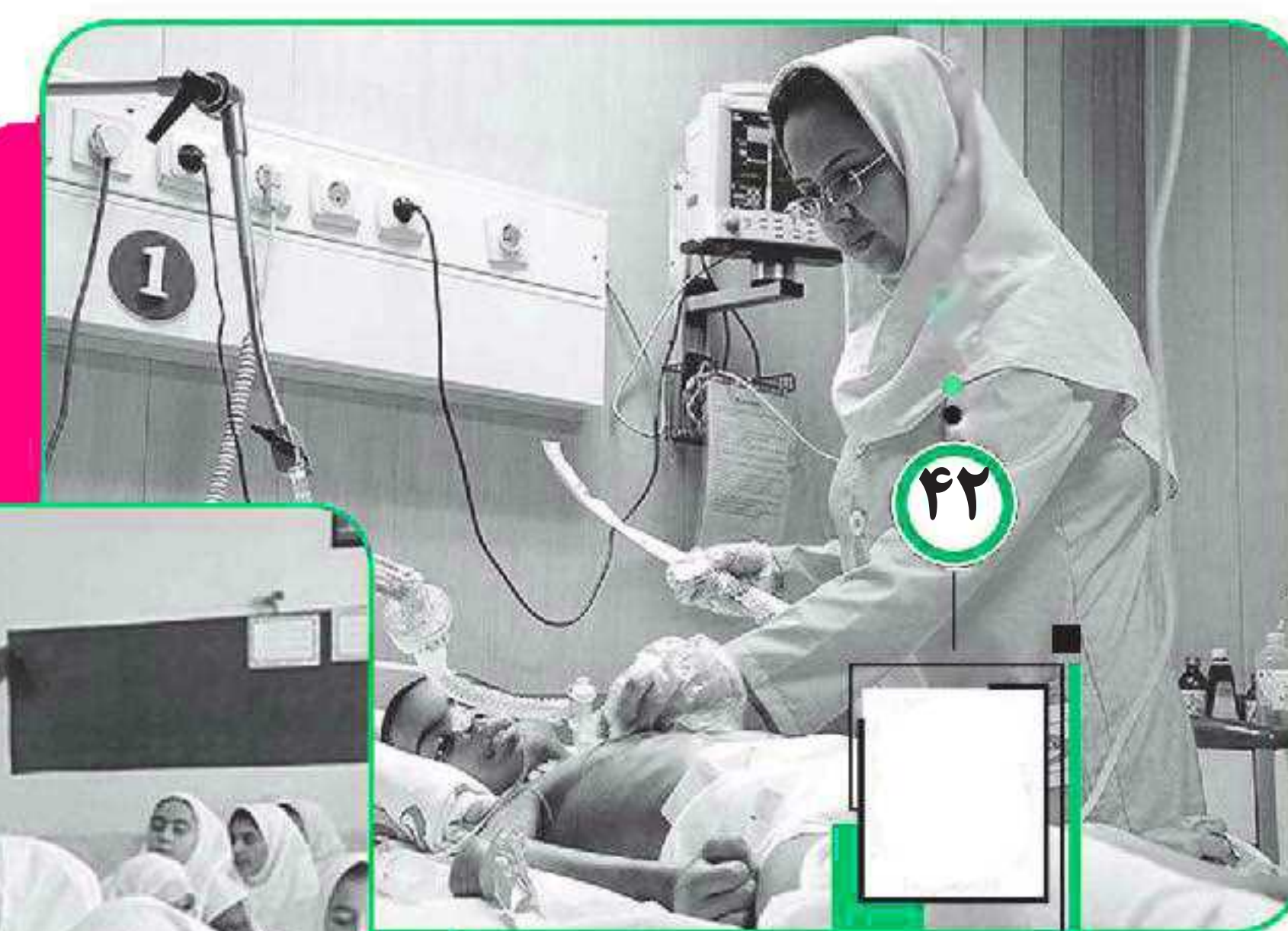
باید دختران را با زندگی اشخاصی که مخالف مسیر تکوین زنانه حرکت کردند و متوجه راه درست شده‌اند، آشنا نمود. بارها اتفاق افتاده که زنان دنیای غرب، مهم‌ترین پست و مقام‌های سیاسی را تنها برای انجام وظیفه مادری رها نموده‌اند. حتی سیستم‌های آموزشی غرب که این اشتباه را متوجه شده‌اند و درصدد رفع آن هستند را شناسایی کنیم و با آشنا نمودن دختران، آسیب‌های فعلی را به حداقل برسانیم.



برای مربیان، والدین و خود آن‌ها در اولویت باشد، توجه به ذات، طبیعت و نقشی است که باید دختر بر عهده بگیرد. طبق آمار، در سال‌های اخیر اکثر دختران مایل به انتخاب رشته‌های مهندسی و پزشکی هستند. آن‌ها پس از پایان دوران تحصیلات، یا در انتخاب شغل یا زمان ازدواج دچار مشکل می‌شوند، در این شرایط سختی‌ها را تحمل می‌کنند یا با سرخوردگی، از ادامه مسیر منصرف می‌گردند. در هدایت علمی دختران، باید آن‌ها را به سمتی هدایت نمود که مناسب شأن و جایگاه جنس زن و خانواده او در آینده باشد؛ مانند رشته‌های معلمی یا پرستاری و... .

نگاه درست

از کارهای دیگری که در این مسیر باید مورد توجه باشد، این است که به نسل بعد از خود آموزش دهیم که با دیده حقارت به وظایف زن و ویژگی‌های وی نگاه نکنند. وظایفی چون مادری و خانه‌داری باید به جایگاه خود بازگردند. همان جایگاهی که اسلام و پیامبر ﷺ برای آن معرفی کرده‌اند، یا وقتی علامه طباطبایی فرموده‌اند: «حیات





خود پرداخته و تجربیات زیستی خود را با دیگران به اشتراک بگذارند و در مقابل تجربیات مثبت، تأیید و در قبال تجربیات منفی، همدردی متقابلی از ایشان دریافت کنند تا از این طریق «هویت اجتماعی» خود را تقویت نمایند. این نیاز به تأیید از جانب همسالان، به مرور سبب می شود تا حتی برای هم‌رنگی با جماعتِ دوستان، فرد از عقاید و آموخته های صحیح خود دست کشیده و خود را منطبق با انتظارات و عقاید جمعی کند.

بنابراین، دختران نوجوان با دارا بودن ویژگی های عاطفی طبیعی، تمایل فراوانی برای عضویت در گروه های به اصطلاح دوستانه دارند تا از طریق حضور در این گروه ها به هویت اجتماعی دست یافته و برای قرار گرفتن در نقش های مختلف اجتماعی، مهارت افزایی کنند و از سردرگمی و بحران هویت خارج شوند.

در فضای مجازی افراد دوست دارند هویتی از خود بروز دهند که شاید در فضای حقیقی در آرزوی این هویت بوده و خلاً ناشی از عدم وجود آن را احساس می کنند. لذا ایجاد ارتباط میان افراد در این فضا، می تواند ارتباطی مجازی و کاذب با افرادی باشد که دارای هویت هایی کاذب هستند. دختران در بحران بلوغ و نیاز شدید به بیان احساسات و عواطف و همدلی

با همسالان خود، از گروه های علاقمند برای حضور در شبکه های مختلف اجتماعی هستند؛ اما ارتباط با افرادی که ممکن است فارغ از هویت واقعی خود، فضایی برای تولید هویتی دلخواه از خود به دست آورده اند، می تواند پس از مواجهه با واقعیت، نه تنها احساس اعتماد را در آنان تضعیف کند، بلکه آنان را دچار سرخودگی و یأس ناشی از این اعتماد کند. از طرفی ایجاد روابط عاطفی در فضای مجازی و دلبستگی به دوستان مجازی (بعضاً غیر همجنس) سبب می شود نوعی گرایش اعتیادگونه به حضور و شرکت در این فضا برای کاربر فراهم شود که عملاً هدف منسجم و مفیدی را نیز دنبال نمی کند.

«ژانت کرنلوم»^۲ مفسر نشریه آمریکای تودی معتقد است: «نوجوانان امروز به گونه ای بزرگ می شوند که در یک دست آنها کنترل تلویزیون و در دست دیگرشان موشواره رایانه است و دیگر دستی باقی نمی ماند تا دستان والدین را لمس کنند».^۳

اعتیاد به فضای مجازی، فرد را از تعامل با خانواده دور کرده و وی را در انزوا فرو میبرد. پرخاشگری و بیقراری، محصول این مصرف بیرویه خواهد بود. از سویی عدم وجود پیوندهای عاطفی و درک متقابل دختران نوجوان و جوان با سایر افراد خانواده نیز وی را دچار احساس تنهایی، افسردگی و بی تفاوتی کرده و برای جبران آن، فرد به فضایی نیازمند است تا از خود واقعیش فرار کرده و به خود ساختگی ایده آلی

نوجوانان
امروز به گونه
ای بزرگ می
شوند که در
یک دست
آنها کنترل
تلویزیون
و در دست
دیگرشان
موشواره رایانه
است

نزدیک شود؛ بهترین محمل برای این مقصود، فضای مجازی است و اینجاست که دوری باطل ایجاد می شود.

از سوی دیگر، روزگاری انسانها در دنیایی واقعی زندگی می کردند و ارتباطات بین آنها ملموس بود و با افرادی ارتباط داشتند که در یک مکان باهم زندگی میکردند؛ اما اکنون مهم ترین تغییر دنیای معاصر که شالوده تغییرات آینده جهان را میسازد، رقابت میان دنیای واقعی و دنیای مجازی با ویژگیهای بی مکانی، دستیابی آسان به آخرین اطلاعات، تکرر داشتن و همزمانی است. مهم ترین ویژگی دنیای مجازی این است که روابط باواسطه و از راه دور را جایگزین روابط انسانی چهره به چهره کرده

است.^۴ به نظر میرسد یکی از دلایل جذابیت فضای مجازی و تمایل افراد به این فضا، همین ویژگی بی مکانی و فراهم شدن امکان برقراری ارتباط سهل با دیگران باشد.

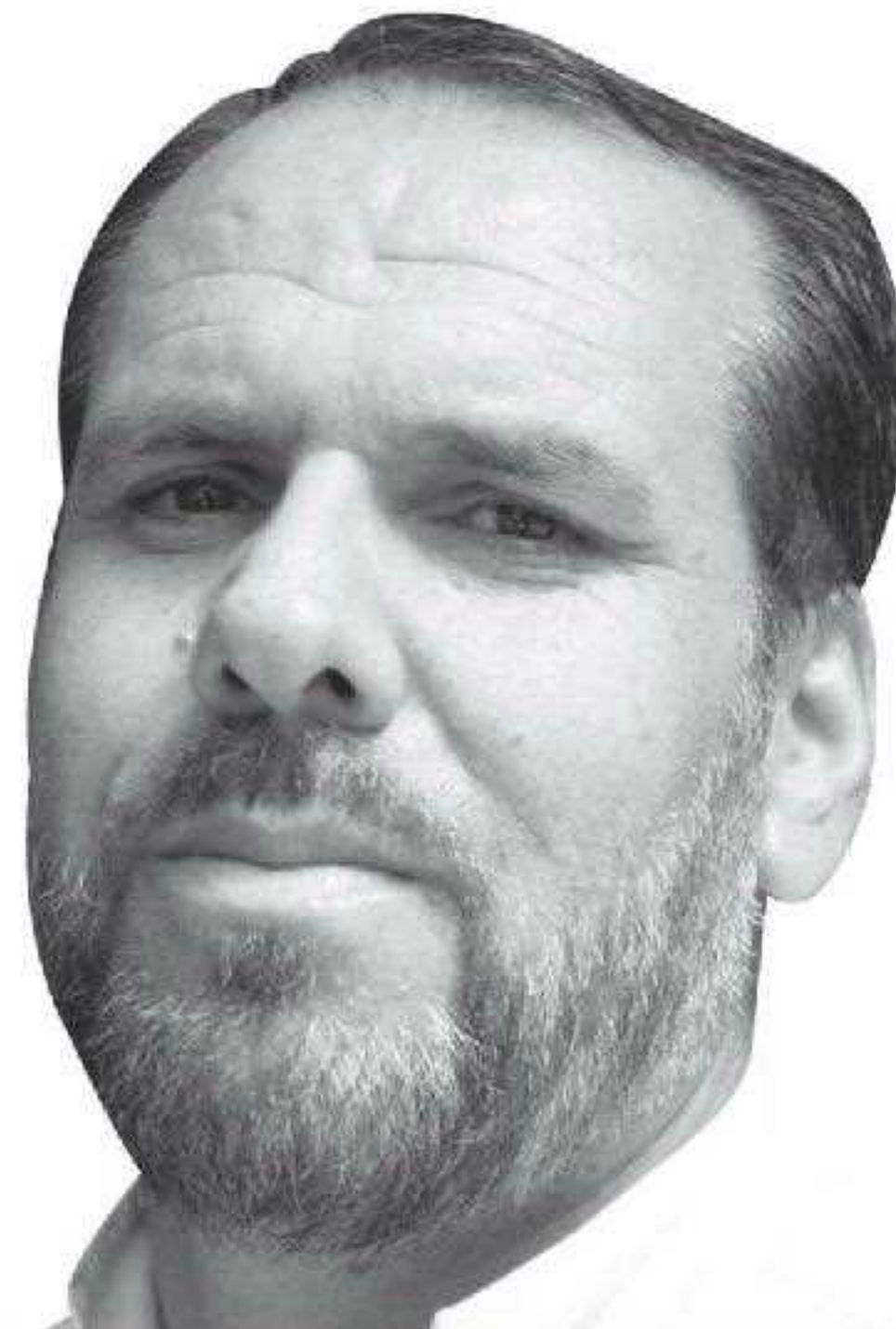
از طرفی با نگاهی خوشبینانه می توان گفت، اگر این ظرفیت بالقوه فضای مجازی به درستی هدایت شود، می تواند دوستی های حقیقی را مستحکم کرده و فضایی برای رشد قابلیت های فردی و اجتماعی فراهم نماید و شاید بهترین مسیر در رسیدن به این هدف ارتباط افراد حقیقی با یکدیگر، در فضای مجازی باشد. به عنوان مثال، دخترانی که در گروه های مختلف علمی، مذهبی و فرهنگی در مدرسه یا دانشگاه عضویت دارند و به



مؤلفه‌ها و شاخصه‌های تربیت دختران

در مصاحبه با دکتر علی احمدپناهی
هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

به کوشش مهدی عالمی



مربی موفق
مربی‌ای است
که اتفاقاً به
بچه‌ها به یک
چشم نگاه
نکند

آیا در تربیت، تربیت دخترانه و تربیت پسرانه وجود دارد؟

در تربیت یک سری اصول و قواعد تربیتی داریم که در رابطه با همه انسان‌ها صادق است که به آن‌ها، اصول عمومی یا فراگیر می‌گویند. راهکارهای تربیتی که در رابطه با همه باید ملاحظه شود، حتی گاهی در رابطه با تربیت بعضی از حیوانات هم باید آن‌ها را ملاحظه کرد. همچنین اصولی داریم که بین

داشتن نگاه جامع در برخورد تربیتی با دختران، یکی از مهم‌ترین نیازهای مربیان این عرصه است. آگاهی با ویژگی‌های خاص تربیتی و رفتاری متربیان و برنامه‌ریزی و ارتباط‌گیری بر اساس آن‌ها، یکی از حلقه‌های مفقوده در برنامه‌های تربیتی ما است. در ادامه، برای آشنایی با شاخصه‌های تربیتی دختران، گفت‌وگویی را با آقای دکتر احمد علی پناهی، نویسنده کتاب با دخترم، می‌خوانیم.



لذا آگاهی از چالش‌های موجود در فضای مجازی، به‌رهمندی از دانش کافی و به‌روز در خصوص شبکه‌های اجتماعی، ارتقای سطح معلومات والدین و مربیان نسبت به نوع رفتار با دختران جوان و نوجوان، تلاش در جهت تعمیق باورهای دینی و ملکه کردن آن برای ایشان، افزایش سطح آگاهی والدین، مربیان و کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به آسیب‌ها و مخاطرات موجود و... می‌تواند به کاهش آسیب‌های ناشی از استفاده نامناسب از این فضا کمک نماید.

۱. دیپلماسی عمومی نوین و روابط عمومی الکترونیک، ص ۵۳.

۲. Janet Kornblum.

۳. Kornblum, Janet. "Indersexse"; (۲۰۰۷). us today: www.ustoday.com

۴. آسیب‌های فضای مجازی بین دانش‌آموزان دختر، مطالعات فرهنگ-ارتباط، سال ۱۴، شماره ۲۳، ص ۱۹۶.

دلیل زمان کم حضور در این مکان‌ها، ادامه فعالیت‌های خود را به حضور در شبکه‌های اجتماعی و گروه‌هایی با همان عناوین محول میکنند، قطعا در چنین فضایی درست مانند ایجاد یک گروه حقیقی می‌توانند فعالیت‌های خود را پیگیری کرده و با استفاده هدفمند و زمانمند از این ظرفیت بالقوه، از اتلاف وقت در فضای مجازی و حضور در گروه‌هایی که اعضا از لحاظ هویت مجهول و ناشناخته هستند، پیشگیری کنند. به علاوه این ظرفیت می‌تواند زیر نظر والدین و مربیان شکل گیرد و بدین طریق جلوی سوءاستفاده‌های احتمالی از دختران نوجوان در فضای مجازی گرفته شود. اینجاست که اهمیت و ضرورت توجه والدین و مربیان و آگاهی‌بخشی آنان نسبت به نحوه استفاده دختران از این فضا آشکار میشود. ترویج سواد رسانه‌ای به عنوان راهکار اساسی دستیابی فرد به مهارت و تخصص لازم جهت تشخیص محصولات مفید و غیرمفید رسانه‌های دیداری، شنیداری و نوشتاری، برای والدین، مربیان، نوجوانان و جوانان مصرف‌کننده این محصولات، می‌تواند عاملی در جهت تبدیل تهدیدهای ناشی از قرار گرفتن در این فضا، به فرصت‌های استفاده علمی و بهینه از محصولات مذکور باشد. همچنین می‌توان این امکان را برای والدین و مربیان فراهم آورد تا با کنترل صحیح و اصولی، نوجوانان را از دسترسی به محتوای ناسالم و مخرب دور نگه دارند.



دختر و پسر مشترک است. علاوه بر این، اصولی داریم که مخصوص دختران و پسران است. علت تفاوت در این اصول هم تفاوت نقش‌های مختلفی است که دختران و پسران باید بر عهده بگیرند. اصلاً چرا تربیت می‌کنیم؟ تربیت برای این است که دختران و پسران بتوانند نقش‌ها و وظایف‌شان و همچنین انتظاراتی که جامعه از آن‌ها در ابعاد مختلف اجتماعی، علمی، فرهنگی، معنوی و روان‌شناختی دارد را به نحو صحیحی انجام دهند. علاوه بر این، دختران و پسران تفاوت‌های ذاتی‌ای دارند که باید تربیت هر کدام هم متناسب با آن باشد. تفاوت آن‌ها از نظر جسمی،

روحی، روان‌شناختی و اخلاقی به حدی است که اگر در تربیت لحاظ نشود، علاوه بر اینکه آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به دختران و پسران وارد می‌کند، جامعه را نیز بی‌نسیب نمی‌گذارد.

اصول اساسی تربیت در دختران چیست و از چه زمانی آغاز می‌گردد؟

به اعتقاد علمای تربیت، تا هفت سالگی تربیت بین دختر و پسر خیلی تفاوت چندانی ندارد؛ زیرا تا این سن تقریباً ویژگی‌هایی شبیه به یکدیگر دارند. برخی روایت «الْوَلَدُ سَوِيٌّ» سَوِيٌّ سَبِيح را این‌گونه معنا می‌کنند که تا هفت سالگی نباید تربیت رسمی را آغاز کنیم و چه دختر و چه پسر باید آزاد باشند. البته آزاد نه به این معنا که پله و رها باشند. تا این سن، تربیت بیشتر الگویی است؛ یعنی هنجارهای اخلاقی، تربیتی و کیفیت تعامل اجتماعی را از اطرافیان خود به‌ویژه پدر و مادر یاد می‌گیرند و کپی‌برداری می‌کنند. با این بیان تفاوت چندانی در تربیت دختران و پسران تا این سن وجود ندارد.

پس همسان‌سازی که در سه یا چهار سالگی مطرح می‌شود، چیست؟

همسان‌سازی در این حد است که دختر بفهمد با پسر تفاوت‌هایی دارد و پسر هم این را متوجه شود و نه بیشتر! اما از شش و هفت سالگی، آموزش رسمی

اگر دختران را درست تربیت کنیم، در آینده فرزندان سلمی خواهیم داشت

و جدی شروع می‌شود و دستور دادن و امر و نهی کردن در آموزش قرار می‌گیرد. این قانون آموزش از شش، هفت سالگی یک الگوی ثابت در تمام دنیا است؛ به صورتی که همه آن را پذیرفته‌اند و اجرا می‌کنند، همان‌طور که روایت معروفی که در بالا اشاره شد، آن را بیان می‌کند.

علاوه بر تفاوت در دختر و پسر بودن، چه تفاوت‌های دیگری در تربیت باید لحاظ شود؟

برخی از اندیشمندان می‌گویند بچه‌ها را باید براساس توانمندی عقلی‌شان تقسیم‌بندی کرد، نه براساس توانمندی سنی! ممکن است بچه‌ای شش‌ساله باشد، ولی عقلش در حد چهارساله‌ها باشد؛ یکی شش‌ساله است، ولی عقل و فهمش در حد ده‌ساله‌ها است. یکی از مباحث جدی که مربیان باید توجه داشته باشند، بحث عقلی بچه‌ها است؛ ممکن است دو دختر از لحاظ سنی ۱۵ ساله باشند، ولی از نظر ادراکی، شناختی و هوشی تفاوت‌های زیادی داشته باشند. بنابراین، سبک و روش مربی برای تربیت این دو باید متفاوت باشد. بنده سال‌های زیادی روان‌شناسی تربیتی تدریس کردم. یکی از اصولی که برای مربی و معلم مطرح است، این است که اگر در کلاس سی دانش‌آموز وجود داشته باشد، با هر کدام باید یک شیوه آموزشی اتخاذ شود. یک مربی موفق مربی‌ای است که اتفاقاً به

بچه‌ها به یک چشم نگاه نکند، به هر کدام به یک چشم خاص نگاه کند؛ نه از نظر اخلاقی، از نظر آموزشی و تربیتی! مثلاً دختری که بسیار عاطفی است، باید مربی با او شیوه خاصی را اتخاذ کند و با دیگری که منطق بیشتری را دارد، استدلالی‌تر مواجه شود.

اصلاً یکی از هنرهای مربی این است که تفاوت‌ها را به موقع دریافت کند و متناسب با توانمندی‌ها و حالات روانی آنان، به آن‌ها خوراک بدهد. تفاوت اجتماعی و منطقه‌ای هم مهم است. اما از مهم‌تر همه، تفاوت در دختر و پسر بودن است؛ چون آن‌ها از نظر عاطفی و ادراکی خیلی تفاوت دارند. بنابراین، الگوهای رفتاری، حتی متن آموزشی که مربی برای دختر انتخاب می‌کند باید با پسرها متفاوت باشد؛ یعنی متناسب با ظرفیت و توان دخترها باشد.

بنا بر آنچه بیان کردید، شاخصه تفاوت تربیتی دختر و پسر چیست؟

یکی از مهم‌ترین اصول در تربیت دختران، اصل جامع‌نگری در تربیت است؛ چون قرار است نقش‌هایی به مراتب حساس‌تر و ظریف‌تر از پسران در جامعه ایفا کنند. اگر



هنگامی که مربی با دختر تعامل می‌کند، باید لطیف، با ظرافت و با محبت برخورد کند



تربیت‌شان درست صورت بگیرد، خیلی از مشکلات جامعه مدیریت و کنترل می‌شود؛ زیرا مادر یکی از مهم‌ترین رکن‌های آموزشی و تربیتی جامعه است. اگر دختران را درست تربیت کنیم، در آینده فرزندان سالمی خواهیم داشت؛ چون مادران سالمی تربیت کرده‌ایم. حتی همسران هم مسیرشان اصلاح می‌شود. منظور از جامع‌نگری، این است که ابعاد مختلف شخصیتی، روانی و جسمی دختر در تربیت مورد توجه قرار گیرد. یعنی یک مربی علاوه بر تلاش برای تربیت سالم دینی، تربیتی، باید تربیت روان‌شناختی و زیستی سالمی را برنامه‌ریزی کند. مثلاً باید به سلامتی زیستی دانش‌آموز و مربی خودش هم توجه کند تا تغذیه‌اش سالم باشد؛ چون در حال رشد است. اگر رشدشان دچار اختلال شد، در آینده در بارداری و مادری دچار مشکل خواهد شد. جامعیت در رابطه با تربیت دختران یک اصل است.

آقای قرائتی می‌فرمود، من خدمت آقای بهشتی که از آلمان آمده بود رسیدم. پرسیدم که شما به بچه‌ها و نوجوانان آلمانی چه آموزش می‌دهید تا من به بچه‌های کاشان آموزش دهم؟ شخصی

گفت آقا چه می‌گوی؟ آلمان با اینجا خیلی فرق دارد! آقای بهشتی گفت نه آقا چه فرقی دارد، نوجوان نیازش در آلمان یا ایران یکی است! هیچ فرقی ندارد. آنجا شادی می‌خواهد، اینجا هم می‌خواهد، آنجا تکریم و احترام می‌خواهد، اینجا هم می‌خواهد، سلامتی زیستی می‌خواهد، به ورزش علاقه دارد، دوست باید داشته باشد، اینجا هم دارد.

یکی دیگر از اصول تربیتی در دختران، اصل احساس مسئولیت است. حساسیت‌های تربیتی دختران در مقایسه با پسران بیشتر است؛ زیرا خط قرمزهای بیشتری را باید رعایت کند. از این جهت، پدر، مادر، معلمان و مربیان باید در تربیت دختران احساس مسئولیت بیشتری داشته باشند.

سومین اصل تربیتی دختران، توجه به آمادگی روانی وی برای تربیت است؛ زیرا اگر دختر از نظر روحی، روانی و شرایط سنی آماده نباشد و مربی به این اصل توجه نکند، زحمات تربیتی وی از بین رفته است. مربی باید زیرک باشد، تقاضای خودش را متناسب با فهم و درک دختران و در زمان مناسب مطرح کند. یکی از اشکالات پدران، مادران و مربیان در تربیت، این مسئله است. نمی‌دانند که چه زمانی، چگونه مطلبی را بیان کنند.

یکی دیگر از اصل‌های تربیتی مهم،



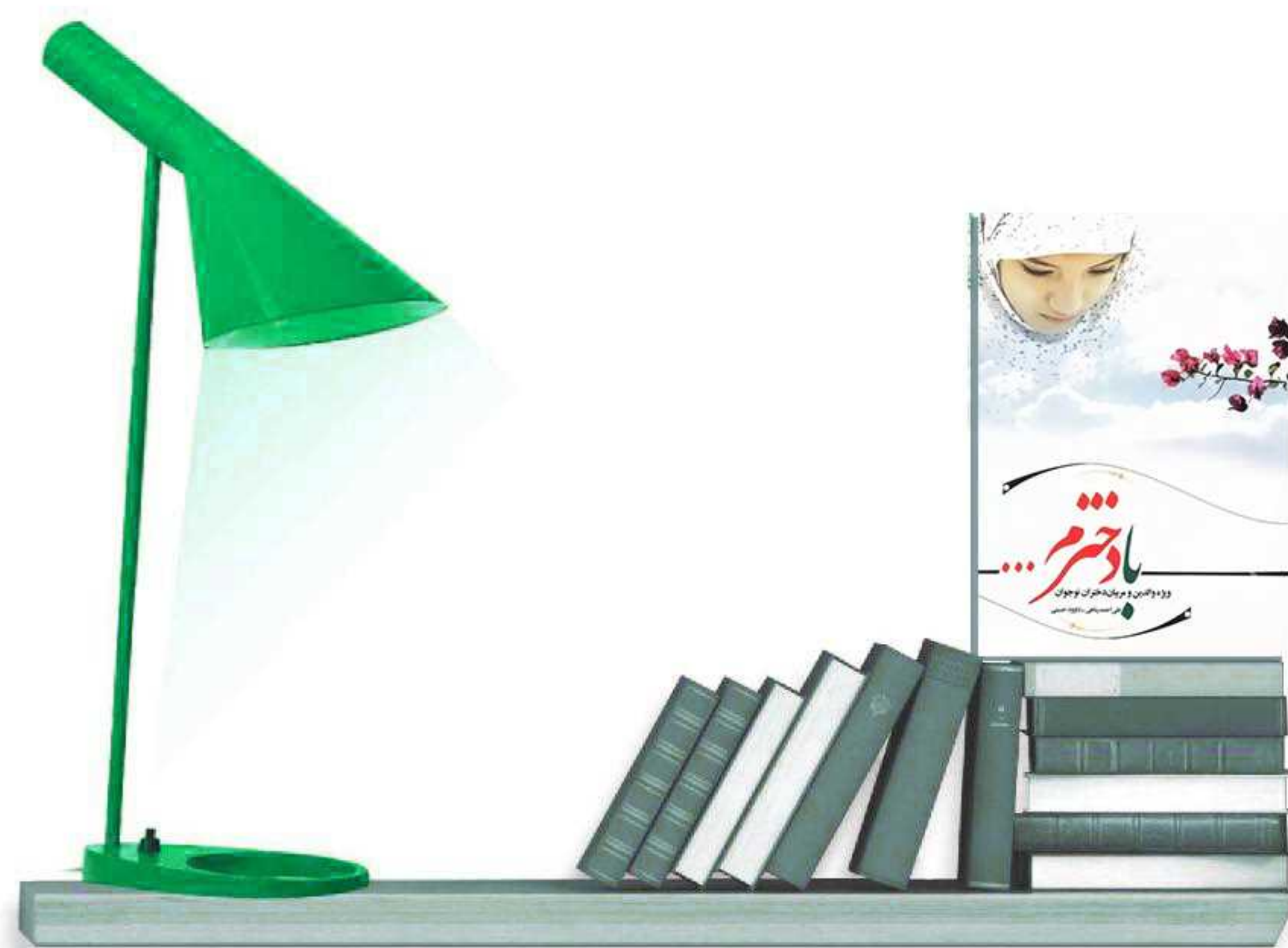
برقراری ارتباط کلامی و غیر کلامی متناسب با دختران است. یکی از تفاوت‌های بارز دختران و پسران، تفاوت عاطفی، احساسی و هیجانی است؛ یعنی دختران به مراتب از پسران عاطفی‌تر، احساسی‌تر و هیجانی‌تر هستند (هم هیجانی‌تر هستند، هم رفتار هیجانی را دوست دارند). بنابراین، هنگامی که مربی با دختر تعامل می‌کند، باید لطیف، با ظرافت و با محبت برخورد کند. حتی واژه‌هایی را که در ارتباط با دختر و پسر به کار می‌برد، باید با دقت استفاده کند. به همین خاطر، تأکید می‌شود که پدر در خانه با دختر خیلی صمیمی شود، بغلش کند و دست نوازش بر سر او بکشد. مربی هم در واقع از یک نظر نقش همان والدین را ایفا می‌کند، چون در آن نقش قرار

می‌گیرد؛ اگر مربی رابطه عاطفی برقرار نکند دختر از او فاصله می‌گیرد. اندیشمندان حوزه تربیت می‌گویند که ارتباط عاطفی، مقدم بر ارتباط شناختی است؛ تا ارتباط عاطفی صورت نگیرد، به سخنان و اطلاعات مربی اهتمام پیدا نمی‌شود. اگر ارتباط برقرار شد، علاوه بر اینکه گیرایی رفتاری ایجاد می‌شود، تأثیرگذاری هم عمق پیدا می‌کند. برای مثال، مربی باید حالات و منشش متواضعانه و دوستانه باشد، وقتی جلسه‌ای برگزار می‌کند یا لبخند باشد، در اردو یا بچه‌ها صمیمی باشد، یا اگر در مکانی غیر از کلاس متریبانش را می‌بیند، آن‌ها را تحویل بگیرد.

یکی از اصول مهم تربیتی در نوجوانی، علاقمندی به دوستان است. دختران به دلیل

ارتباط عاطفی، مقدم بر ارتباط شناختی است؛ تا ارتباط عاطفی صورت نگیرد، به سخنان و اطلاعات مربی اهتمام پیدا نمی‌شود





معرفی کتاب «با دخترم»

فرشته ضرغامی

بلوغ و نوجوانی یکی از باشکوه‌ترین و در عین حال پیچیده‌ترین مراحل تحول و تکامل زندگی انسان است؛ مرحله‌ای که هر فردی از دنیای کودکی و حال و هوای آن و خیال‌پردازی‌های کودکانه خداحافظی کرده و پا به دنیای واقعیت‌ها می‌گذارد. اگر والدین و مربیان آگاهی کاملی از این دوران نداشته باشند و نوجوانان را در این دوران تنها رها کنند، نه تنها مرحله حساس بلوغ و نوجوانی (به‌ویژه دختران به علت نقش بی‌بدیل آنان) با آسیب‌های بی‌شماری همراه می‌گردد، بلکه ممکن است آینده آنان را نیز تحت تأثیر خود قرار دهد. در همین راستا، آقایان علی احمد پناهی و داوود حسینی، کتاب با دخترم را تألیف نموده‌اند تا در این اثر ۴۴۸ صفحه‌ای به یاری نسل دختران سرزمین‌مان که نقش مهم مادری بر دوش‌های ظریفشان است، بیایند. از مهم‌ترین موضوعات این کتاب، می‌توان به نوجوان و بلوغ، نوجوان و دوستی‌ها، دختران و سلامت تن و روان اشاره نمود. کتاب با دخترم، توسط مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی در تیراژ ۲۰۰۰ نسخه و در سال ۱۳۹۰، منتشر شده است و در حال حاضر با قیمت ۱۵۰۰۰ تومان در بازار کتاب عرضه می‌گردد.



تربیت اخلاقی بدان توجه کنند، تبیین آثار و برکات و همچنین مفاسد و آسیب‌های رفتارهای متریان است. انسان‌ها به صورتی آفریده شده‌اند که اگر چیزی برای‌شان منفعت داشته باشد پیگیری می‌کنند و از چیزی که برای‌شان ضرر دارد، سراغی نمی‌گیرند.

نباید فراموش کنیم که تأثیر تربیت فردی و چهره به چهره، بیشتر از تربیت گروهی است. مربی باید برای تکتک متریان‌ش (به‌ویژه دختران) وقت بگذارد و متناسب با شرایط و روحیات آنان سخن بگوید و نیازهای آن‌ها را در سخنان‌ش پوشش دهد. اگر مربی به نیازهای مختلف متریان خود توجه کند، به عنوان یک مربی جامع به وی نگاه می‌شود که تأثیر گذارش را افزایش می‌دهد.

عاطفی بودن، دوست برای‌شان حیاتی‌تر از پسران است. بنابراین، دوستی‌های دختران پایدارتر و صمیمی‌تر است. مثلاً دختر به راحتی دوستش را رها نمی‌کند و اگر دوستش را رها کند، دچار استرس و اضطراب می‌شود؛ زیرا نیازهای عاطفی و روانی وی از این طریق تأمین می‌شود. دوست برای وی پناهگاه عاطفی است، درد دل می‌کند و مشکلاتش را می‌گوید که اگر مربی به این مورد توجه نکند، علاوه بر اینکه ارتباط درستی پیدا نمی‌کند، احتمال اشتباه و گرایش به جنس مخالف هم به وجود می‌آید.

به نظر شما نکته‌ای که مربیان را در تربیت متریان موفق‌تر می‌کند، چیست؟

یکی از بحث‌هایی که مربیان باید از جهت



تغذیه دختران در دوران بلوغ

گفتاری کوتاه از دکتر احمد جوانمرد

دوران بلوغ، یکی از مهم‌ترین دوره‌های زندگی است؛ چراکه در این دوران جهش رشدی اتفاق می‌افتد. رشد نوجوانان، به‌خصوص دختران در این دوران تسریع می‌شود و در نتیجه نیاز به مواد مغذی در آنها افزایش پیدا می‌کند و در صورتی که از طریق یک برنامه غذایی متعادل، متناسب و متنوع به این نیاز پاسخ داده نشود، امکان رسیدن به رشد مطلوب به‌دست نخواهد آمد. در این میان، دختران بیشتر در معرض خطر ابتلا به انواع بیماری‌ها قرار می‌گیرند. دختران برای رشد مناسب خود در این دوران، احتیاج به مواد مغذی مانند اسیدهای آمینه ضروری، مواد معدنی مانند آهن، کلسیم، روی و ویتامین‌های A، D و گروه B به‌خصوص اسید فولیک، ویتامین B₁₂ و B₆، ریبوفلاوین (B₂)، نیاسین (B₃) و پیریدوکسین (B₆) دارند. متأسفانه در این دوران پراهمیت که باید دختران از کلیه گروه‌های غذایی دارای مواد حیاتی و مغذی مصرف کنند، بعضی از آنها اقدام به گرفتن رژیم‌های لاغری نامناسب می‌کنند. دخترانی که با پیروی از رژیم‌های تک‌خور و مصرف خیلی کم مواد غذایی لازم روزانه، سعی در حفظ تناسب اندام خود دارند، از سفره غذایی که حاوی غذاهای سنتی مغذی و تلفیق شده با گروه‌های متعدد غذایی هستند، جدا شده و به غذاهای خارج از خانه یا فست‌فودها که در ظاهر خوشمزه و اشتها برانگیز، ولی فاقد مواد مغذی هستند، روی می‌آورند؛ در این صورت با عدم مصرف سبزی‌های تازه یا پخته، شیر و لبنیات و منابع پروتئینی غنی از اسیدهای آمینه ضروری، به روند رشد خود صدمه می‌زنند و رشدی را که از نظر افزایش قد و ساختار اساسی بافت‌های عضلانی و استخوانی و حتی سیستم دفاعی بدنشان باید صورت بگیرد، در معرض صدمات جبران ناپذیر قرار می‌دهند.

اغلب این‌گونه جوانان، به‌خصوص دختران، به کم‌خونی، پوکی استخوان، بی‌حوصلگی و افسردگی دچار می‌شوند و نه تنها سلامت و توانایی کار، فکر و اندیشه خود را کاهش می‌دهند، بلکه زمینه ابتلا به اغلب بیماری‌ها را در سنین میان‌سالی و سالمندی خود فراهم می‌کنند. بسیاری از بیماری‌های خانم‌ها در سنین

میان‌سالی مانند آرتروز، فشار خون، بیماری‌های قلبی عروقی، افزایش چربی خون، دیابت و... ریشه در تغذیه دوران نوجوانی و جوانی دارد. همچنین دخترانی که تمایل بیشتری به مصرف فست‌فودها به جای غذاهای سنتی دارند و به جای مصرف آب، دوغ و شیر، از نوشابه استفاده می‌کنند و تنقلات بی‌فایده‌ای مثل چیپس و پفک را جایگزین تنقلات سالمی مانند کشمش، نخودچی، بادام، پسته، گردو، کنجد، ذرت، انجیر خشک و خرما می‌کنند، بیشتر در معرض ابتلا به این بیماری‌ها هستند. روی آوردن این افراد به مواد غذایی باارزش، کمک شایانی به جهش رشد، افزایش قدرت دفاعی بدن و تأمین انرژی لازم برای کار و فعالیت فکری آنها می‌کند.

وعده‌های غذایی و میان‌وعده‌ها، به‌خصوص صبحانه و میان‌وعده نیمروز، تأثیر بسیار زیادی در ایجاد اشتها، تأمین انرژی و مواد مغذی لازم برای فعالیت‌های جسمی و آماده‌سازی مغز برای یادگیری و افزایش قدرت حافظه دارد. این در حالی است که متأسفانه اغلب جوانان به‌خصوص دختران، صبحانه را حذف و مصرف تنقلات بی‌ارزش را جایگزین میان‌وعده می‌کنند، غافل از اینکه با این روش تغذیه، سلول‌ها و بافت‌های بدن دچار گرسنگی‌های پنهان شده و از مواد مغذی حیاتی تهی می‌گردند.

نکته پایانی در مورد خواب! بررسی‌های متعدد حاکی از آن است که اغلب دختران، به علت دیر خوابیدن در شب، نمی‌توانند صبح به‌موقع بیدار شوند، لذا فرصت بهره‌بردن از صبحانه، این وعده غذایی بسیار ارزشمند و سازنده را نخواهند داشت. دیر خوابیدن عاملی منفی در بهبود سلامت است؛ زیرا از ۸ شب تا ۸ صبح، فعالیت هورمون رشد شروع شده و ترمیم و بازسازی سلول‌های از کار افتاده و بافت‌های فرسوده را با استفاده از ۷۰ درصد انرژی حاصل از چربی‌های ذخیره‌ای عهده‌دار می‌شود. بنابراین، با دیر خوابیدن این فرصت طلایی برای ترمیم بافت‌ها، سلول‌ها و آماده‌سازی مغز برای فعالیت و یادگیری از دست می‌رود.

یادمان نرود که برای سالم زیستن، باید علاوه بر رعایت اصول عمومی سلامت، به نیازهای دخترانه و پسرانه نیز توجه نمود.



دختران و تکلیف‌پذیری شرعی

مرضیه کریمی
کارشناس ارشد مطالعات زنان

انسان در مسیر تکامل، دوران بلوغ و نوجوانی را پشت سر می‌گذارد که مرحله‌ای مهم و نقطه عطفی در زندگی او است. تغییرات به سرعت در بدن، روان، اندیشه و احساسات شخص پدید می‌آید و افراد برای ورود به دنیای مردان یا زنان آماده می‌شوند. یکی از مسائلی که در طی دوران زندگی یک فرد مسلمان بالاخص نوجوانی خودنمایی می‌کند، مکلف شدن است.

در این بین، از آنجا که دختران بلوغ را زودتر از پسران تجربه می‌کنند و چند سال جلوتر از آن‌ها مکلف می‌شوند، توجه به این مسئله و ملاحظات آن که باید در ارتباط با آن به کار برد، حایز اهمیت است.

چهار ویژگی تربیتی وجود دارد که در واقع لوازمی هستند که دختران به طور ویژه باید به آن‌ها مجهز شوند که توجه به تعمیق آن‌ها جهت بسترسازی برای ورود به نقش‌های مادری و همسری حائز اهمیت است.

این ویژگی‌ها عبارتند از: ۱. حیا؛ که به فرموده امام صادق (ع) یک حالت بازدارندگی و خویش‌داری در برابر هر چیزی که با توحید و معرفت ناسازگاری داشته باشد، در انسان ایجاد می‌کند. ۲. بردباری؛

برخی روایات به فزونی صبر در زنان اشاره کرده‌اند که این ویژگی، زنان را در سختی‌های زندگی، به‌ویژه فرزندداری و خویش‌داری جنسی، کارآمد می‌سازد. ۳. آرامش. ۴. عاطفه؛ به دلیل اینکه به تقویت ظرفیت معنوی آنان کمک می‌کند، می‌تواند یکی از لوازم کمک‌کننده در جهت آماده‌سازی آنان برای تکلیف‌پذیری شرعی باشد.

اصول و روش‌ها

از آنجا که رشد معنوی نیازمند پویایی و حساسیت‌های تربیتی نسبت به آموزه‌های تربیت دینی است، در ادامه با نگاهی اجمالی، به اصول و روش‌هایی که برای رسیدن به این هدف عالی تربیتی بیان شده، اشاره می‌شود:

ایجاد حس مسئولیت

سازگاری و مسئولیت‌پذیری به طور خاص با بحث تکلیف‌پذیری و قبول مسئولیت‌های دینی پیوند می‌خورد.

هم‌زمان با انتقال آموزه‌های دینی، باید احساس تکلیف را در نوجوان به وجود آورد تا علاوه بر اینکه خود را تحت تأثیر بایدهای درون می‌بیند، با این بایدها احساس یگانگی و خودی بودن کند. این احساس یگانگی، زمانی حاصل می‌شود که الزام‌ها منطق‌پذیر و قابل دفاع باشد و در پیروی از آن‌ها نیازی به اکراه و اجبار نباشد.

آشنا کردن نوجوان با سختی‌ها، یکی از راه‌های ایجاد حس مسئولیت در آن‌ها است.

سیاست خویش‌داری

خویش‌داری و کف نفس نیز با اصل مسئولیت قرابت دارد. ضرورت تمرین برای رسیدن به خویش‌داری از این مناریشه می‌گیرد که بپذیریم خویش‌داری خود یک عمل است و به معنای دست روی دست گذاشتن نیست. زمانی خویش‌داری معنا می‌دهد که فرد در موقعیت انجام دادن یک عمل ناروا قرار بگیرد و آنگاه، خودداری کند. آموزش مهارت «نه» گفتن، در تقویت سیاست خویش‌داری نقش دارد. شهید مطهری نیز در ارتباط با این بحث، مطلبی را در حیطه «پیروی نکردن از اکثریت» و «اثر نپذیرفتن از قضاوت دیگران» مطرح می‌کند.

روش‌هایی که اشاره شد، جزو اصول عام تربیتی نوجوان می‌باشد. ساخت متفاوت روانی، انگیزشی و هیجانی دختران، ایجاب می‌کند که مواردی نیز اختصاصی شود. در ادامه به روش‌های ویژه‌ای که اختصاص به رشد و تعالی دختران دارد اشاره می‌شود:

پذیرش، احترام و کرامت ویژه نسبت به دختران

عزت نفس دختران، در گرو توجه به این مسئله توسط والدین و مربیان است. پابندی به تکالیف شرعی در هر موقعیتی و درونی کردن آن، اتفاق نمی‌افتد مگر در سایه داشتن عزت و اعتماد به نفس نسبت به مسیر بندگی که انتخاب کرده است.

اقتناع عاطفی

در کلیات پرورش عاطفی، تفاوتی بین دختر و پسر نیست. ولی در جنبه اجرا و عمل باید توجه بیشتری به دختران بشود. تأکید آموزه‌های اسلامی بر محبت بیشتر به دختران، توجه به حساسیت عاطفی دختران و لطافت روحی را نشان می‌دهد. این مهم است که دختران در محیط خانه از نظر محبت سیراب شوند؛ زیرا به عنوان یک عامل بازدارنده قوی در برابر آسیب‌های پیش روی دختران عمل می‌کند.

حمایت و مراقبت ویژه نسبت به دختران، دامنه وسیعی دامنه وسیعی در جنبه زیستی، روانی (که امنیت، تعقل و ارضای میل به خودنمایی در حد مطلوب و صحیح را شامل می‌شود) و جنبه اجتماعی معاشرت‌ها و روابط اجتماعی دارد.

نتیجه‌گیری

در بررسی رهیافت‌های تربیت دینی دختران، این نتیجه حاصل می‌شود که ضرورت توانمندی و آماده‌سازی دخترانی تکلیف‌مدار برای داشتن زنان و مادرانی موفق در عرصه اجتماع و خانواده، در آینده بسیار با اهمیت است. در این میان، نقش آموزش و آگاه‌سازی خانواده‌ها، مربیان و حساس‌سازی نهادهای آموزش عمومی به آماده‌سازی و تمرکز سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در این حوزه را نباید نادیده گرفت.

۱. مصباح الشریعه، ص ۱۸۹.

۲. مهارت‌های زندگی با رویکرد دینی، ص ۴۳.

۳. فارغ از جنسیت.

ضمیمہ ۱

طرح درس یک نفس راحت

نویسنده: مرجان محمودزاده وزیری

این درس نامه ناظر بر بیانیه گام دوم و براساس نیازهای دانش آموز تألیف شده است.

فرازی از بیانیه گام دوم در موضوع امید:

نخستین توصیه من امید و نگاه خوش بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومیدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم. در طول این چهل سال - و اکنون مانند همیشه - سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم و حتی مسئولان و مدیران ما از آینده است. خبرهای دروغ، تحلیل‌های مغرضانه، وارونه نشان دادن واقعیت‌ها، پنهان کردن جلوه‌های امیدبخش، بزرگ کردن عیوب کوچک و کوچک نشان دادن یا انکار محسّنات بزرگ، برنامه همیشگی هزاران رسانه صوتی و تصویری و اینترنتی دشمنان ملت ایران است؛ و البته دنباله‌های آنان در داخل کشور نیز قابل مشاهده‌اند که با استفاده از آزادی‌ها در خدمت دشمن حرکت می‌کنند. شما جوانان باید پیشگام در شکستن این محاصره تبلیغاتی باشید. در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومیدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شماس. نشانه‌های امیدبخش - که به برخی از آنها اشاره شد - در برابر چشم شماس. رویش‌های انقلاب بسی فراتر از ریزش‌هاست و دست‌ودل‌های امین و خدمتگزار، به‌مراتب بیشتر از مفسدان و خائنان و کیسه‌دوختگان است. دنیا به جوان ایرانی و پایداری ایرانی و ابتکارهای ایرانی، در بسیاری از عرصه‌ها با چشم تکریم و احترام می‌نگرد. قدر خود را بدانید و با قوّت خداداد، به سوی آینده خیز بردارید و حماسه بیافرینید.

رهبر معظم انقلاب اسلامی

یک نفس راحت!

طرح درس دخترانه

دانش آموز پرامید، شهروند امیدوار

مرجان محمودزاده وزیری

برای جامعه‌ای که هدف و آرمان و آرزو دارد، حرکت یک کلیدواژه حیاتی است. چنین جامعه‌ای نیاز دارد که حرکت کند و به سوی ساختن آینده بتازد. اما خود حرکت هم در درون خود نیازمند یک نیروی محرکه حیاتی است، و آن نیرو نامش امید است. جامعه زنان، سنگ زیرین بنای فرداهای جامعه هستند و ایجاد و حفظ امید در آنها، تحقق ایران اسلامی آباد و پویا را امکان‌پذیرتر می‌سازد. آنچه در سطور بعد خواهد آمد، طرح درسی برای ایجاد شناخت و ایجاد امید در میان دختران نوجوان است.

نکته:

- چگونگی ارائه بحث در میان گیومه‌هایی به این شکل "" قرار دارد.

- طرح بحث زیر قابلیت اداره دو جلسه را دارد

ایده شروع:

بچه‌ها شما اگر در موقعیت شنیدن یک داستان باشید و بتوانید مفهوم اون داستان رو انتخاب کنید، دوست دارید که یک داستان غم‌انگیز بشنوید یا یک داستان شورانگیز و شاد؟

- "پیشنهاد می‌شود که برای ایجاد توجه دانش‌آموزان، از همان ابتدای بحث برای آنها فضایی برای ایجاد مشارکت فراهم شود. برای این منظور پیشنهاد می‌شود مربی پاسخ‌های دانش‌آموزان را

- در جدولی به شکل زیر روی تخته کلاس بنویسد."

نام دانش آموز	پیشنهاد	علت

هر کدام شما بنا به دلیلی که اینجا نوشتیم، پیشنهادی برای داستان غم‌انگیز یا شاد داشتید. اما من می‌خواهم بگویم که برای من فرقی میان این دو نمی‌کند، اگر امید در هر کدام برجسته باشد.

به این داستان غم انگیز دقت کنید:

- "داستان پیشنهادی برای مربی؛ مربی می تواند با مضمون زیر داستانی به سلیقه و طبع خود ارائه کند خانوم آنا بگنهولم در سال ۱۹۹۹ که نزدیک به سی سالش بود، همان طور که خرامان در کوهستانی شیب دار در حال اسکی کردن بود، کنترل خود را از دست داد و درون یک چاله آب تقریباً یخ زده که نزدیک یک آبشار بلند قرار داشت، افتاد. وضعیت غم انگیزی بود؛ سر و بدن او کاملاً زیر یک لایه یخ قرار گرفته بود، در حالی که پاهای او هنوز بیرون از آب مانده بودند. مرگ پایان کبوتر نیست، اما غم انگیز است؛ آن هم مرگ زنی جوان و ورزشکار. اما آنا نمرد. او امیدوارانه بیش از ۸۰ دقیقه زیر یخ و آب ماند و با پیدا کردن یک حباب هوای بزرگ بین یخ و آب توانست نفس بکشد. شاید باورش سخت باشد، اما دمای بدن او به کمی بیش از ۱۳ درجه سانتیگراد رسیده بود، و این کمترین دمایی است که تاکنون در بدن انسان زنده به ثبت رسیده است. او در آن جهنم سرد امیدوارانه مبارزه می کرد و نیروهای امدادی سر رسیده بودند. به علت وضعیت خاص منطقه و نحوه قرار گرفتن تن آنا، عملیات نجات این زن شجاع ۸۰ دقیقه به طول انجامید. به سرعت وی را به بیمارستان منتقل کردند، اما گویا مرگ به تلاش آنا چیره شده بود و از لحاظ علم پزشکی آنا دیگر مرده بود. اما باز امید مثل همیشه زنده ماند و در کمال ناباوری ۳ ساعت بعد قلب او شروع به تپیدن کرد. پزشکان بر این باورند که دلیل زنده ماندن آنا این بوده که بدنش به نحوی به حالت خواب زمستانی فرو رفته بود؛ اما شاید امید به زندگی تنها سلاحی بود که آنا در برابر مرگ داشت."

امید به هر حسی چیره است، اگر بتوان به آن اعتنا کرد، بتوان آن را دوست داشت و به آن اعتماد کرد.

حالا برویم سراغ معنای امید. این واژه از آن واژه های اصیل ایرانی ماست. سعدی در بیتی در وصف امید می گوید:

خوش است درد که باشد امید درمانش

دراز نیست بیابان که هست پایش

گفتگوی تحلیلی با دانش آموز:

- "پیشنهاد مربی: ایجاد مشارکت دانش آموز با درخواست ارائه تعریفی از امید"

بچه ها تعریف شما از امید کدام یک از تعاریف زیر است؟

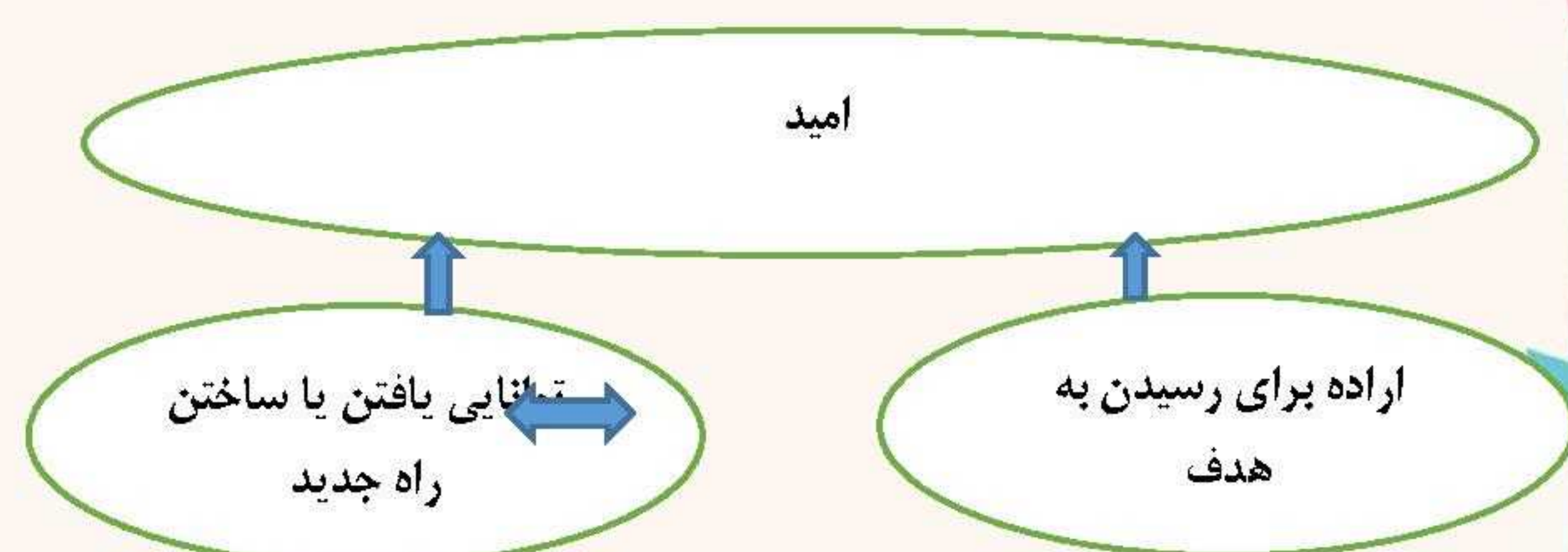
- ۱- توان دنبال کردن فعالیت های روزانه و متحرک نگه داشتن خود
- ۲- نیروی زندگی پویا و بلند
- مربی در این بخش می تواند نظرات مختلف را در قالب کلمات از دانش آموزان دریافت کند، مثلاً بپرسد امید یعنی ...؟ تا دانش آموزان مثل یک پازل تعریفی را که در زیر ارائه شده است، تکمیل کنند و این حس دستیابی جمعی به یک تعریف، روحیه جمعی دانش آموزان کلاس را بالا می برد.

بچه ها ما با هم به تعریف زیر رسیدیم:

امید داشتن باور به نتیجه مثبت اتفاق ها یا شرایط، در زندگی است. امید احساسی است درباره اینکه می توانیم آنچه را که می خواهیم، داشته باشیم یا یک اتفاق، بهترین نتیجه را برای ما خواهد داشت. امیدوار بودن با خوش بین بودن متفاوت است. امید یک حالت احساسی است، یعنی یکی از احساسات انسان است؛ اما خوش بین بودن نتیجه یک روش و الگوی تفکر عمدی و اختیاری (بینش) است که باعث حالت و رفتار مثبت در انسان می شود.

پس امید زمانی در درون ما شکل می گیرد که اهداف ما دارای ویژگی پنجگانه ۱. دست یافتنی، ۲. تحت کنترل، ۳. جامعه پذیر، ۴. اخلاقی و ۵. مهم تلقی شدن باشد.

بچه ها این جدول را نگاه کنید، نسبت بین امید و تلاش و اراده و ... نشون میده



گفتگو با دانش آموز:

حالا ما برای اینکه به زندگی و آینده امیدوار باشیم و اصلاً به طور کلی امید داشته باشیم، نیاز به منابعی در وجودمان داریم که از آن امید را استخراج کنیم؛ یعنی آنها مایه های امید در وجود ما باشند.

- "لزوم مشارکت دانش آموز در بحث با طرح سؤال: به نظر شما این منابع کدام ها هستند؟ و کشیدن جدول زیر روی تخته و فهرست کردن منابع امید از نظر دانش آموز"

نام دانش آموز	منبع امیدواری	علت انتخاب

خب من خلاصه آن چیزی که شما گفتید و خودم به آن فکر کرده ام، فهرست می کنم.

۱- خدا

این تجربه شخصی من و شاید شماها هم باشد که در سخت‌ترین لحظات زندگی، با این فکر که همیشه خدا هست، کارمان را ادامه می‌دهیم و حرکت می‌کنیم؛ چراکه حس می‌کنیم اگر کسی نیست که وضعیت ما را بفهمد، یا اصلاً در جزیره دورافتاده‌ای که در خیال خودمان ساخته و خود را در آن محبوس کرده‌ایم - و حتماً شما هم بارها به خاطر جفای آدم‌ها تجربه کرده‌اید - خدا هست.

- "داستان کوتاه پیشنهادی برای مربی

می‌گویند دختری در خانه خیلی شلوغ‌کاری کرده بود. همه اوضاع را بهم ریخته بود. وقتی پدر وارد شد، مادر شکایت او را به پدرش کرد. پدر که خستگی و ناراحتی بیرون را هم داشت، نگاه اخم‌آلودی به دختر کرد. دختر که دید امروز اوضاع خیلی بی‌ریخت است، و از زیر نگاه پدر به هیچ‌جا نمی‌شود در رفت، وقتی پدر با آن صدای نخرانیده‌اش خواست فریاد بکشد، دختر که دید کجا فرار کند؟ راه فراری ندارد! خودش را به سینه پدر چسباند. پدر فریادش را فرو برد و دست بر روی موهای دختر که کشید.

خلاصه شما هم هر وقت دیدید اوضاع بی‌ریخت است و آمیدی نیست، به سوی خدا فرار کنید که امید آنجاست. به قول امام علی (ع) «وَفِرُّوا إِلَى اللَّهِ مِنْ لَدُنْهِ»^۱

۲- زندگی

من بارها به این فکر کرده‌ام که ممکن بود من یک ذره در عدم و نیستی باشم و هیچ، اصلاً وجود نداشته باشم، اما خدا به من زندگی داد، وجود داد، اجازه داد که نفس بکشم، دوست داشته باشم، دنیا را ببینم، دوستانی داشته باشم، عاشق شوم، مادرم را ببوسم و هزار حس خوب دیگر. پس حالا که من هستم، یک امید ناقابل به آینده داشتن خیلی هم سخت نیست. شکر نعمت زندگی سخت نیست.

۳- شناخت افراد موفق

بچه‌ها، ما همیشه در حال الگوبرداری هستیم؛ مثلاً من در فوتبال عاشق مسی هستم و سعی می‌کنم مثل او فوتبال بازی کنم و در تدریس همیشه دوست داشتم مثل آقای قرائتی تدریس کنم. اصلاً اگر نخواهیم هم این اتفاق می‌افتد. مثلاً من قول می‌دهم خیلی از شماها قرمه‌سبزی‌تان مزه قرمه‌سبزی مادران را می‌دهد. پس اگر خودمان را در مسیر آدم‌های موفق قرار دهیم، حالا اگر دسترسی مستقیم نداریم، با کتاب و خواندن زندگی‌نامه و ... می‌بینیم که دلیل اول رشد آنها ناامید نشدن و امیدوار بودن است. پس ما هم در مجاورت و معاشرت افراد موفق، امید در وجودمان ریشه می‌کند.

"روایت پیشنهادی برای مربی از الگوپذیری و تحقق هدف در زندگی شهید حججی

حاج‌احمد کاظمی می‌گوید: «اگر می‌خواهید شهید شوید، باید مثل شهدا باشید؛ باید شهید زنده باشید، باید مثل شهدا کار کنید». عشق و علاقه محسن حججی به شهدا و به شهید احمد کاظمی بر کسی پوشیده نبود. محسن زندگی‌اش را مدیون حاج‌احمد می‌دانست و خودش را آزادشده دست شهید کاظمی می‌دانست. شهید حججی در کار برق ساختمان بود و در حوزه کتاب هم کار می‌کرد، ولی می‌گفت: «مسیری که حاج‌احمد (کاظمی) برای من مشخص کرده، در کار برق و اینها محقق نمی‌شود. من باید جایی بروم که مسیرم به شهادت نزدیک‌تر باشد». بعد از آن در اردوی راهیان نور، ارتباط با شهید کاظمی برایش شکل گرفت. مثلاً نصف شب بر سر مزار شهید کاظمی می‌رفت و فاتحه می‌خواند، یاد حاج‌احمد بود و به حرف‌هایش گوش می‌داد. وقتی کسی روزانه به حرف شهید گوش می‌دهد

و به آن عمل می‌کند، منش او هم به آن سمت می‌رود. محسن به مسیری رفت که حاج‌احمد، پیش از تولد شهید حججی در آن گام نهاده بود. حاج‌احمد و محسن به دو نسل متفاوت با آرمان‌هایی یکسان تعلق دارند.^۲

فردا محسن الگویی برای نسل‌های آینده خواهد بود. شهید حججی امتداد راه حاج‌احمد بود و معلوم نیست فردا چه انسان‌هایی امتداد راه محسن باشند؟

۴- اینکه زمین گرد است

بچه‌ها همه ما اعتقاد داریم زمین گرد است و به قولی هرکاری بکنیم ثمره آن کار به ما باز می‌گردد. مثلاً ما در ادبیات خودمان می‌خوانیم که: «تو نیکی می‌کن و در دجله انداز؛ که ایزد در بیابانت دهد باز». پس، از هر دستی بدهیم، از همان دست می‌گیریم. پس اگر جایی گندم بکاریم، طبعاً گندم درو می‌کنیم و در عرصه‌ای تلاش بکاریم، موفقیت درو می‌کنیم. اینکه چنین قاعده‌ای در دنیا هست، خودش مایه امید است؛ زیرا به قولی هر علتی معلولی دارد و اگر موفقیت معلول باشد، علتش تلاش است. پس زمین برای همه ما گرد است و این گردی برای رویه رشدها و تلاشگرها مایه امیدواری و برای آدم‌های کوچک و بدکار، مایه استرس و ترس است.

۵- فرج

بچه‌ها انتظار در مکتب شیعه، علاوه بر اینکه نوعی امید به آینده است، چشم به راه یک رویداد بزرگ و تحول عمیق بودن نیز هست؛ چراکه طی شدن فاصله میان غیبت و ظهور یک پدیده عادی نیست؛ بلکه حادثه‌ای به وسعت همه تاریخ بشر است. برای تجسم عظمت آن، اشاره به این نکته کافی است که امام مهدی (ع)، تبلور همه آرمان‌ها و آرزوهای محقق‌نشده انسان در طول قرون و اعصار گذشته تاکنون است.

بر این اساس، فردای ظهور، فردایی است روشن‌تر و بهتر از امروز؛ زیرا همه اختلاف‌ها و خصومت‌ها که ناشی از محدودیت اندیشه و نارسایی عقل بشر است، از میان برمی‌خیزد و در پرتو شکوفایی خرد، جای خود را به عطوفت، رحمت و مناسبات صمیمانه می‌بخشد.

با تکیه بر این مبانی، دیگر، افسردگی در میان پیروان مکتب انتظار جایی ندارد. در غیر این صورت آدمی، دلیلی برای بهتر بودن فردا ندارد؛ بنابراین بیشتر در معرض افسردگی و ناامیدی قرار می‌گیرد.

اهمیت این مطلب، زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم افسردگی، به عنوان بیماری قرن، شایع‌ترین و دشوارترین اختلالی است که انسان معاصر با آن مواجه بوده و به‌شدت از عوارض آن رنج برده است؛ چراکه رشته‌های امید خود را بریده و گسیخته می‌بیند.

چنانچه به انتظار به عنوان یک آرمان بنگریم، در جنبه‌های فردی و اجتماعی نیز دارای آثاری خواهد بود. نخست از لحاظ فردی، موجب تمرکز افکار و نیروهای آدمی می‌شود؛ زیرا همه آنها، ناظر به یک هدف، یعنی انتظار ظهور هستند و این امر به نوبه خود، موجب وحدت شخصیت می‌گردد. در مقابل، می‌توان به پراکنده و متفرق بودن تلاش‌های انسان اشاره نمود که هیچ نتیجه‌ای در پی نخواهد داشت. این معنا در قرآن کریم چنین آمده است: «هر آینه سعی و کوشش شما پراکنده است»^۳.

از آن امیدهایی که خدا می‌دهد

من برایم جالب بوده که خداوند به ما در قرآن چه امیدی داده است. دیشب که برای این کلاس آماده می‌شدم، دو امید را از قرآن برای شما جدا کردم و فکر کردم بد نیست شما هم بدانید.

۱- امید به دیدارش

«مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنْ أَجَلَ اللَّهُ لَكَ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ»، کسی که به دیدار خداوند امید دارد بداند که اجل او از سوی خدا آمدنی است و اوست شنوای دانا^۴

بچه‌ها امیدواران به دیدار خداوند، آدم‌های مؤمن هستند، باید بدانیم که ملاقات با خداوند، وعده‌ای حتمی و قطعی از طرف پروردگار است؛ بنابراین لازم است امیدواران به تلاش و فعالیت روی بیاورند تا با سربلندی به لقای پروردگارشان برسند.

۲- امید به لطفش در سختی‌ها

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» آنان که ایمان آورده‌اند و کسانی که هجرت نموده و در راه خدا جهاد کرده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند، و خداوند آمرزنده مهربان است^۵.

در این آیه، امیدواری مؤمنان و مهاجران به رحمت خدا ذکر شده است. هرچند امید حالتی روانی است، ولی آثار آن در عمل آشکار می‌گردد. در واقع آنان که در راه خدا هجرت و جهاد می‌کنند، می‌توانند ادعای امید به رحمت الهی داشته باشند.

هفت قدم امیدوار برای رسیدن به هدف

خب حالا بیایید با هفت قدم برای یک هدف، امید را تمرین کنیم

زندگی خود را مجسم کنید. شرایط جسمی/ شرایط مالی / سطح علمی/ مهارت‌های خودتان. خب حالا بیایید در عالم ذهن مان قدم بزنیم.

قدم اول: به این سؤال جواب دهیم که دوست داریم زندگی‌مان چگونه باشد؟

بیشتر آدم‌ها نمی‌توانند برای فردایی بهتر امید داشته باشند؛ زیرا نمی‌دانند که فردای آنها چگونه باید باشد. پیش از اینکه بتوانید به آینده امیدوار باشید، ابتدا باید بفهمید که مطلوب‌ترین زندگی برای شما کدام زندگی است. کمی زمان بگذارید و به این فکر کنید که زندگی ایدئال شما، چه ویژگی‌هایی دارد و چه شکلی است؟

در قدم اول تصویر ایدئال خود را با شرایط فعلی زندگی‌تان مقایسه کنید:

پس از اینکه فهمیدید زندگی ایدئال شما چگونه است، آن را با شرایط زندگی فعلی خودتان مقایسه کنید. انجام این کار به شما کمک می‌کند بفهمید چه بخش‌هایی از زندگی فعلی شما، مطابق با تصوراتان از زندگی ایدئال است و آیا در مسیر درستی گام برمی‌دارید یا نه. برای نمونه، اگر می‌خواهید نویسنده باشید، به این فکر کنید که در حال حاضر، چه کارهایی برای رسیدن به این هدف انجام می‌دهید؟ آیا کتابی می‌خوانید؟ کلاس نویسندگی می‌روید؟

در قدم اول ببینید انتظارات شما از زندگی، واقع‌بینانه است یا نه:

برای داشتن امید به آینده، ابتدا باید مطمئن شوید که رؤیا و چشم‌اندازی که برای آینده دارید، واقع‌بینانه است. داشتن رویاهایی غیرواقعی موجب می‌شود که احساس ناامیدی کنید. به رؤیایان برای زندگی فکر کنید و بفهمید که آیا چشم‌انداز و رویای شما واقع‌بینانه است؟ اگر چنین نیست، باید تغییراتی در آن ایجاد کنید تا دستیابی به آن، امکان‌پذیر شود. برای نمونه، تصور کنید که رویای شما این است که در کره ماه زندگی کنید. خب با توجه به شرایط فعلی چنین چیزی امکان‌پذیر نیست. در این حالت، باید به اهدافی بپردازید که با شرایط زندگی فعلی شما، ارتباط بیشتری دارند.

قدم دوم: اهدافی برای خود تعیین کنیم

یکی از بهترین راه‌ها برای امید به آینده، تعیین هدف‌هایی است که برای رسیدن به آنها تلاش می‌کنید. پس از ایجاد رویایی برای آینده‌تان، اهدافی را نیز برای خود تعیین کنید. اهداف‌تان را بنویسید و برای دستیابی به آنها، سخت تلاش کنید.

اهداف شما باید از ویژگی‌های زیر برخوردار باشند تا احتمال دستیابی به آنها افزایش یابد:

مشخص: یعنی باید واضح باشند و اهدافی گسترده یا مبهم نباشند.

قابل سنجش: یعنی باید قابل اندازه‌گیری و سنجیدن باشند.

عمل‌گرا: یعنی باید بتوانید به طور فعال، برای رسیدن به آنها عمل کنید و کنترل‌شان کنید.

واقع‌بینانه: یعنی بتوانید با استفاده از منابع موجود، به آنها دست یابید.

مقید به زمان: یعنی باید برای آنها آغاز و پایانی مشخص در نظر بگیرید تا رسیدن به آنها آسان‌تر شود.

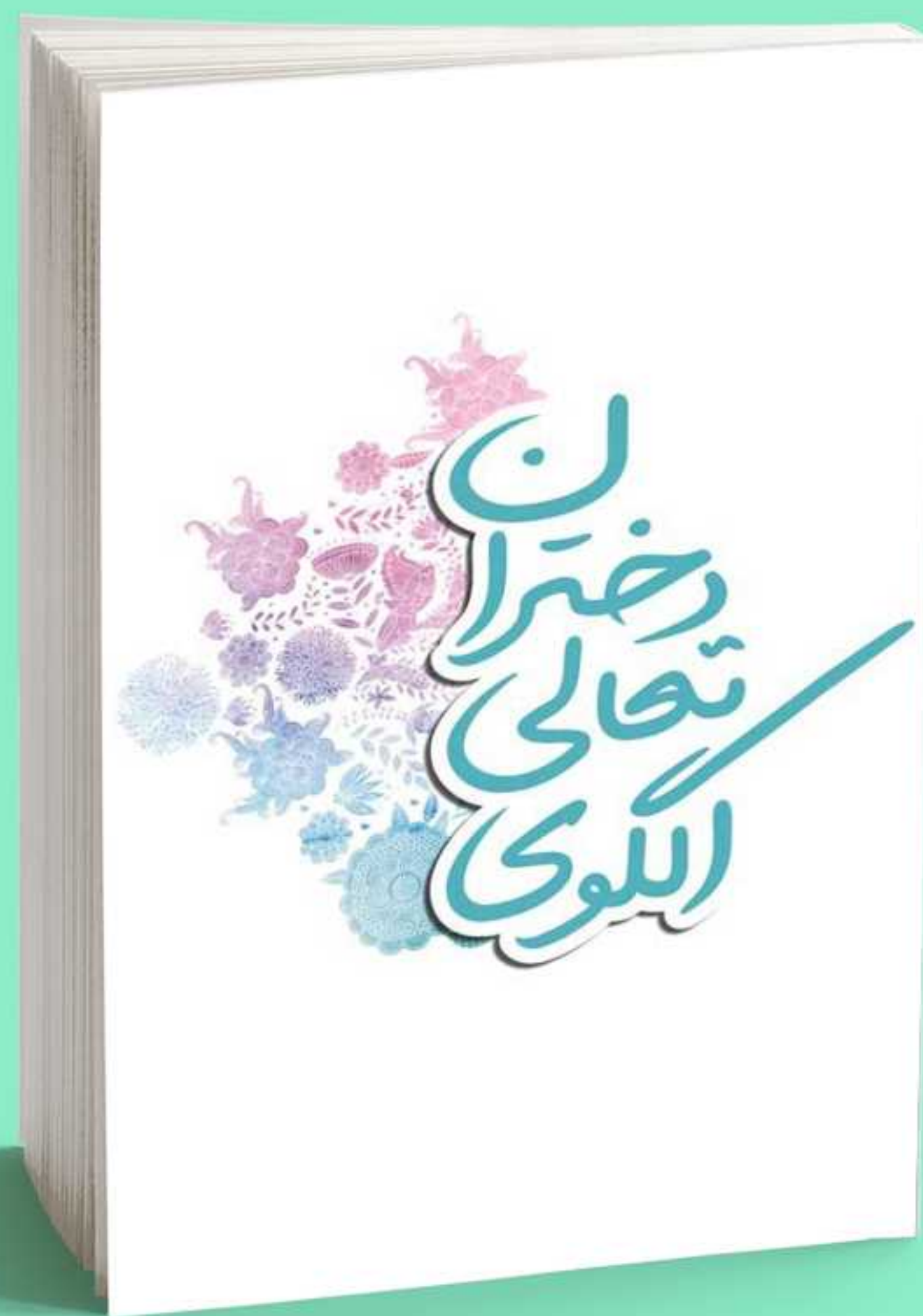
قدم سوم: توانایی‌هایمان را باور داشته باشیم

بعضی‌ها فاقد امید به آینده هستند؛ زیرا حس می‌کنند توانایی انجام هیچ کاری را ندارند. اگر دچار این نوع از ناامیدی هستید، فهرستی از تمام توانایی‌ها و دستاوردهایتان تهیه کنید. این فهرست را بخوانید و برای این ویژگی‌های مثبت، به خود تبریک بگویید. اگر گاهی کمی خودتان را تحسین کنید، می‌توانید امید به آینده را در خودتان تقویت کنید.

قدم چهارم: خدا را وارد فلاشمان کنیم

اگر اعتقاد داریم که بدون اراده خدا برگی از روی درخت به پایین نمی‌افتد، پس برای امید هم به خداوند نیازمندیم. اگر هدف انسان مورد پسند خداوند باشد، خودش مسیر را هموار می‌سازد. مثلاً شما قصد دارید دانشمند رشته فیزیک اتمی باشید، اگر قصد داشته باشید با پیشرفت در این عرصه، کشور خود را از وابستگی به کشورهای دیگر در این زمینه رها سازید، برای درمان بیماری‌ها و تولید انرژی کارخانه‌ها به پیشرفت این صنعت کمک کنید، یکی مثل شهدای هسته‌ای، شهید شهریاری و غیره باشید، خدا امید ادامه دادن و حرکت را در دل شما ایجاد می‌کند. اما اگر قصد تولید بمبی مهیب‌تر از بمب‌های هسته‌ای فعلی را داشته باشید، طبعاً روی کمک خدا نباید حساب باز کنید.

قدم پنجم: به دنبال روابط حمایتی باشیم



برای هویت دختران

الگوی تعالی دختران، اثری منحصر به فرد در زمینه نیاز هویتی دختر امروز است. این کتاب با نگاه انسان‌شناسانه‌ای متأثر از مبانی قرآنی و روایی به تجزیه و تحلیل هویت انسانی زن پرداخته و با شکل دهی تصویری جامع از هویت زن در ذهن مخاطب، سؤالات و شبهاتی را که دختر امروز نسبت به جنسیت خود دارد را پاسخ می‌دهد.

الگوی تعالی، در فرایند ارائه مباحث خود به چهار نقش جنس مؤنث شامل: نقش دختری، نقش همسری، نقش مادری و نقش اجتماعی توجه داشته و از منظر این چهار نقش زنان در جامعه با مخاطب خود سخن می‌گوید. مباحث این اثر به گونه‌ای نظام یافته که در پایان، مخاطب خود را به الزامات نقش دختری آگاه می‌کند.

الگوی تعالی دختران، محتوایی جامع جهت استفاده مربیان تربیتی و فعالان فرهنگی در حوزه تربیت دختران نوجوان است.

مرکز پخش: اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانش آموزان

تا جایی که می‌توانید با افراد توانمند و کسانی که پشتیبان شما هستند، رابطه داشته باشید. با افرادی باشید که به شما کمک می‌کنند تا حس خوبی نسبت به خود داشته باشید. من افراد دارای معنویت و آدم‌های ایمانی را هم پیشنهاد می‌کنم. شما در کنار جمعی قوی و پشتیبان، بسیار ساده‌تر به «امیدواری» می‌رسید تا اینکه بخواهید به‌تنهایی مسیر رسیدن به «امید» را طی کنید.

قدم ششم: خود را درگیر رسیدن به آرمانی کنیم

یکی از راههای بسیار مفید جهت دستیابی به امید، درگیر کردن خود در یکی از آرمان‌های جامعه‌تان است؛ مثل همان آرمان انتظار یا مثلاً بالا بردن پرچمی که نام خدا هم در میان آن است. شما می‌توانید هدف مثلاً موفق شدن در یک رشته ورزشی را با آرمان بالا بردن پرچم کشورمان پیوند بزنید. مثلاً بگویید من موفق می‌شوم و پرچم ایران اسلامی را بالا می‌برم. داشتن این آرمان، شما را با تمام کسانی که با اهداف و آرزوهای مختلف، به این آرمان هم پایبندند، دارای اشتراک می‌کند و به شما کمک می‌کند بر انزوایی که می‌تواند موجب به وجود آمدن ناامیدی شود، غلبه کنید.

قدم هفتم: مراقب خودمان باشیم

ورزش کنید، غذاهای سالم بخورید، به اندازه کافی استراحت کنید و آرامش داشته باشید. انجام این کارها به شما کمک می‌کند امید را در خود ایجاد کنید. با مراقبت از خودتان، این سیگنال‌های ذهنی را ارسال می‌کنید که شما شایستگی شاد بودن و رفتار خوب را دارید. حتماً زمان کافی را به برآورده کردن نیازهای اساسی‌تان برای ورزش، غذا، خواب و آرامش اختصاص دهید.

- به طور منظم ورزش کنید؛ هر روز ۳۰ دقیقه، ورزش ملایم انجام دهید.

- رژیم غذایی متعادلی از مواد غذایی سالم مانند میوه‌ها، سبزیجات، غلات سبوس‌دار و پروتئین‌های بدون چربی داشته باشید.

- در شبانه روز، ۷ تا ۹ ساعت بخوابید.

- دست کم، ۱۵ دقیقه در روز را برای ایجاد آرامش در خود، کنار بگذارید. می‌توانید این زمان را به انجام تمرین‌های تنفس عمیق و مراقبه و مرور خود اختصاص دهید.

- هر روز ۸ لیوان آب بنوشید.

۱. شریف الرضی، نهج البلاغه، محقق: صبحی صالح، خطبه ۲۴: نهج البلاغه، ترجمه دشتی، ص ۷۰.

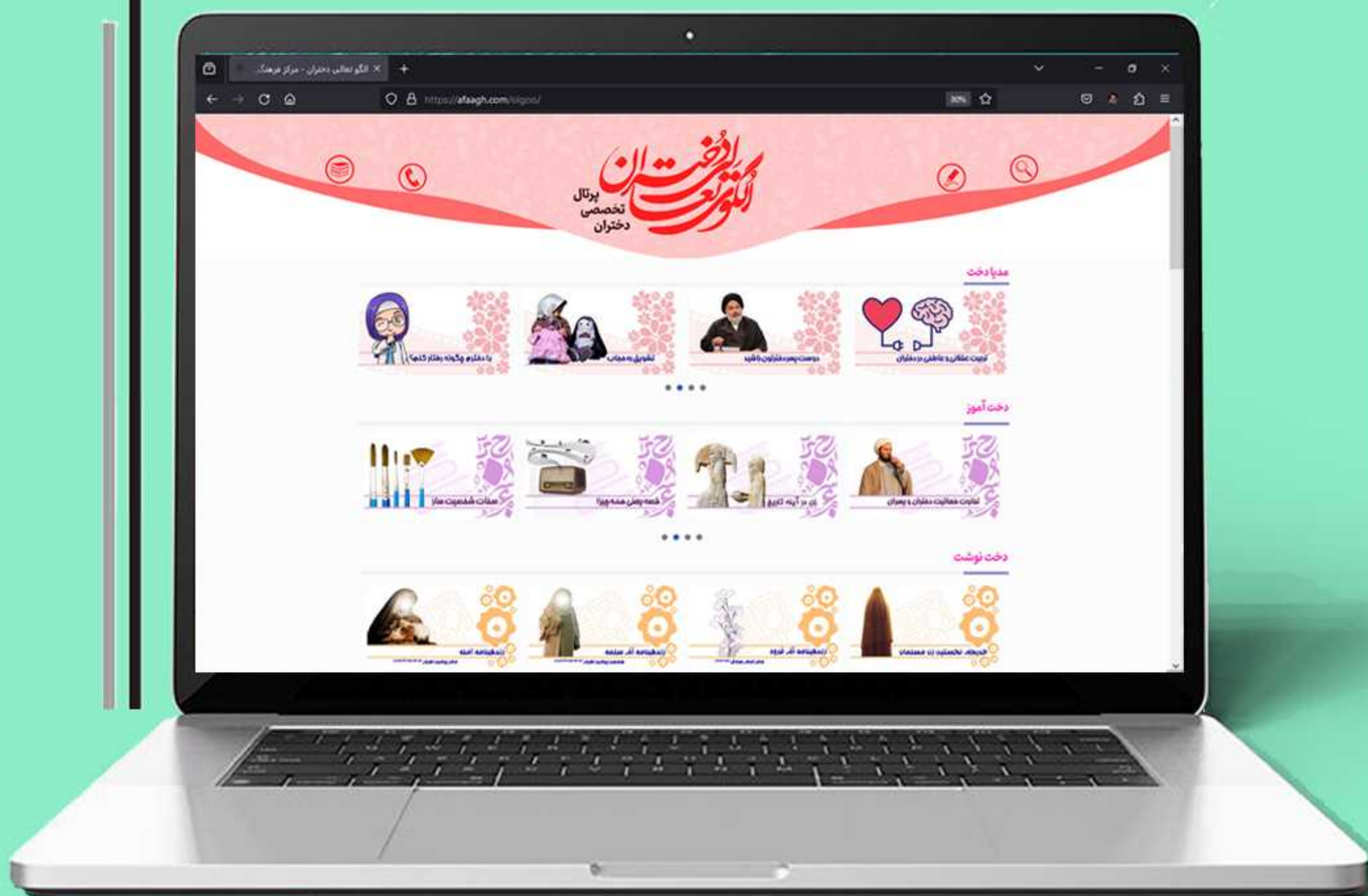
۲. خبرگزاری مشرق، «چند نکته از سبک زندگی شهید حججی»، ۱ شهریور ۱۳۹۶.

۳. سوره لیل، آیه ۴.

۴. سوره عنکبوت، آیه ۵.

۵. سوره بقره، آیه ۲۱۸.

پرتال تخصصی دختران



برای ورود به پرتال اسکن کنید



پرتال الگوی تعالی دختران، خدمتی نواز سوی مرکز فرهنگی تبلیغی آینده سازان است که با هدف انتشار محتوای چندرسانه‌ای در زمینه تربیت دختران مشغول به فعالیت است. مربیان، مبلغان، فعالان فرهنگی و والدین جامعه مخاطبان این صفحه را تشکیل می‌دهند.

محتوای این پرتال در دسته‌بندی زیر ارائه شده است:

مدیا دخت: برای ارائه محتواهای چندرسانه‌ای مرتبط با موضوع

دخت آموز: برای ارائه محتواهای آموزشی در زمینه تربیت دختران

دخت نوشت: برای ارائه مقالات ترویجی در موضوع زنان الگوی اسلامی

دخترانه‌ها: بسته‌هایی محتوایی برای استفاده در فضای تربیتی دختران

گپ دخت: برای ارائه طرح بحث‌های دخترانه

دخت آورد: برای معرفی محصولات فرهنگی مرتبط با موضوع